

نابودن باد جنگ ؛  
مرگ بر خمینی  
زنده باد صلح و آزادی

# نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

ازگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال پنجم ۵۷  
اول فروردین ۶۸ - شماره

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

## آخرین اجلاس شورای ملی مقاومت

اجلاس شورای ملی مقاومت در روزهای ۲۲ و ۲۳ اسفند برگزار شد. در این اجلاس ابتدا مسئولان شورا گزارش خود پیرامون اوضاع و احوال جاری در سطح داخلی و بین المللی را ارائه کرد و همچنین به تشریح پیشرفت ها و موفقیت کنونی ارتش آزادیبخش ملی ایران پرداخت. پس از استماع گزارش مسئول شورا، ابعاد مختلف آن به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در زمینه های مختلف تصمیمات لازم اتخاذ گردید. شورابرآن بود که سیرتحولات جاری کشور صحت نقطه نظرهای اعلام شده مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی را به روشنی به اثبات رسانده است. بخصوص که اکنون کلیه تشبثات سیاسی و نظامی رژیم زهر خورده خمینی پس از آتش بس هم در صحنه داخلی و هم در صحنه بین المللی برای خلاصی از بحرانهای لاعلاجی به بن بست رسیده و این رژیم در منتهای انزوا و چاره ای جز افزایش اختناق و سرکوب عمومی نمی یابد. از سوی دیگر همگان در صحنه سیاسی به وضوح می بینند که تنها جانشین دمکراتیک و مشروع برای رژیم ضد انسانی خمینی شورای ملی مقاومت است که اعتبار داخلی و بین المللی آن بیوسته افزایش می یابد. از اینرو مفاد و خطوط اساسی بیانیه ۳۰ دی ۱۳۶۷ شورا یکبار دیگر مورد تأیید و تأکید قرار گرفت.

در صفحه ۱۱



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) فرارسیدن بهار و عهد ملی نوروز و آغاز سال ۱۳۶۸ را به مردم ایران تبریک می گوید و آرزو می کند که سال جدید، سال سرنوشتی رژیم خمینی و تحقّق صلح و آزادی باشد.

## اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت درباره پیام احتضار رژیم خمینی

در صفحه ۱۱

## سفر وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به ایران را محکوم می کنیم

حق آزادی بیان يك نویسنده را زیر پا گذاشته تا بدین ترتیب بر بحران های لاعلاج داخلی اش سرپوش گذارد. با توجه به اینکه موضع دولت اتحاد شوروی در قبال ساله سلمان رشدی موضع بیسار ضعیف و بیشتتر بود رژیم خمینی است، با توجه به اینکه دولت اتحاد شوروی در مقابل موج اعداسها موضع قاطعی اتخاذ ننموده و تنها موضع این کشور در قبال اعدام ها، ضعیف و محافظه کارانه بوده با توجه به اینکه اتحاد شوروی در کلیه مجامع بین المللی که علیه نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی، موضع گیری می شود، برخلاف کشورهای بزرگ غربی رای به محکومیت رژیم خمینی بقیه در صفحه ۱۰

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی ادوارد شواردانازده طی روزهای ۷ و ۸ اسفند ۶۷ از تهران بازدید نمود. وی در این بازدید با سران رژیم ملاقات نمود. شواهد نادره در روز ۷ اسفند در جماران با خمینی ملاقات نمود. رژیم خمینی گزارش این ملاقات را با آب و تاب فراوان پخش نمود و اکثر خبرگزاریها از این ملاقات عکس، فیلم و خبر مخابره نمودند. شواهد نادره در این ملاقات پیام میخائیل گورباچف را تسلیم خمینی نمود. وی همچنین به تعریف و تمجید از رژیم خمینی پرداخت. این ملاقات در شرایطی صورت می گیرد که رژیم خمینی هزاران هزار از زندانیان سیاسی را اعدام نموده و نیز در ادامه سیاست "مدور ارتجاع و بحران" است

## فتوای رسوایی برانگیز قتل سلمان رشدی

" انالله وانا الیه راجعون. به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می رسانم مولف کتاب آیهات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطمع از خجسوان آن محکوم به اعدام می باشند. از مسلمانان قیور می خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این راه کشته شود شهید است. انشا الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مولف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد." روح الله خمینی

با این حکم جابرانه و جنایتکارانه بود که بسیار دیگر خمینی رسوایی عبرت انگیز و بی سابقه ای را برای خود و رژیمش در چهار گوشه جهان ورق زد.

سلمان رشدی نویسنده هندی الاصل که بعنوان تبعه انگلیس در این کشور اقامت دارد حدود چند ماه پیش کتابی را به چاپ رساند که در اصل داستانی نخیلی است. این کتاب که آیات شیطانی نام دارد در لندن جایزه امسی سال را دریافت کرده و از فروش قابل توجهی برخوردار گشته بود.

خمینی جنایتکار در روز سه شنبه ۲۵ بهمن ماه جاری بازم به روال عمومی برای ردگم کردن و منحرف کردن افکار مردم از مسائل داخلی که شدت اوضاع را به ضرر رژیم به وخامت می برد دست به این شعبده بازی زد.

بدنبال شکست های متعدد در هم آو کردن سزدهوران و سردمداران رژیمش و درست بعد از نمایش سالگرد ۲۲ بهمن که در آن جمعیتی بسزاتب کمتر از سال پیش شرکت داشتند، بوی الرحمان رژیمش را بخوبی شنید و اختلافات گسترده بین روحانیون حاکم و انصار کسبختگی و لیبعهد سفیه و مرتجعش منتظری که این روزها شدت میدان پیدا کرده و با استفاده از جو نارفیاتی شدید توده ها برای کسب قدرت و بدر کردن رفقا از میدان حرفهای بزرگتر از دهانش میزد، اوضاع را به آنجا کشانید که خمینی مجبور شد برای بدست گرفتن دوباره اوضاع به این طرفند دست باز. منتظری در سالگرد دهمین سال انقلاب بهممن به روشنی اعلام کرد که " انقلاب در بدست آوردن هدفهای خود شکست خورده است" و اینکه " ما با سر سختی شعارهایی را سردانیم که دنیا را به هراس افکند و مردم دنیا فکر کردند که تنها هدف ما در ایران کشتن و قتل مردم است"

در صفحه ۲

## گزارش مراسم گوا میدا شهادت حماسه سیهامگل

سخنرانی رفیق سعید در مراسم گوا میدا شهادت  
حماسه سیهامگل  
در صفحه ۷

## «راه کارگر» راه فریب کارگران

در صفحه ۹

## انشعاب در کاست راه کارگر

در صفحه ۱۰

## در این شماره:

"اگر کلاس دوست این است، چه کسی به ضد کمونیسم  
احتیاج دارد" صفحه ۵

هه سال بعد ایران برای بازسازی تلاش می کند  
صفحه ۵

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشتی رژیم خمینی

## فتوای رسوایی برانگیز قتل سلمان رشدی

از صفحه ۱

کرده و با فدا کردن زندگی و دارایی خود او را به درک واصل کند". این بیانیه مشت محکمی بر نهان جناح خائنه‌ای و فرسنگجانی بود و تا اندازه‌ای راه را برای جناح رقیب به سرمداری موسوی نخست وزیر و محتشمی وزیر کشور که این اوضاع را برای خارج کردن رقبا از میدان مناسب حال خود می‌باید باز نمود، عکس العمل مقامات کشورهای مختلف دنیا و نشریات جهان در مقابل این عمل خمینی بحران حادی را در فروردین رژیم به همراه داشت که در زیر به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه، مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در این باره اظهار داشت "هیاهوی تبلیغاتی رژیم خمینی در این باره که در پوششی از اسلام پناهی غلیظه عرضه میشود بین منتهای فلاکت و استحصال این رژیم "زهر" خورده‌ی قرون وسطایی در دهمین سالگرد حکومتش می‌باشد".

چهارشنبه ۲۶ بهمن، وال دن بروک وزیر خارجه هلند در اعتراض به حکم اعدام نویسنده انگلیسی سفر خود به تهران را لغو کرد.

پنجشنبه ۲۷ بهمن، میشل رولار نخست وزیر فرانسه ضمن تأیید محکومیت خمینی در کمیسیون ملی مشاوراتی حقوق بشر خود را در این محکومیت شریک دانست.

پنجشنبه ۲۷ بهمن، پارلمان اروپا در اجلاس خود قطعنامه‌ای را بتصویب رساند و در آن اعلام کرد که در رابطه با فراخوان خمینی بر کشتن سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیات شیطانی" و نیز ناشرین این اثر، وحشت زده شده است و از کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا خواست تا به رژیم تهران بگویند که در صورت اجرای امر مجازاتهای سهمی در رابطه با منافع رژیم ایران اتخاذ میشود و برای کشتن جنایتکاران ذنبیط در برابر عدالت از زور استفاده خواهد شد.

پنجشنبه ۲۷ بهمن، وزیر خارجه انگلستان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: که هیچکس حق ندارد که در خاک انگلیس ویا علیه شهروندان بریتانیایی، مردم را تشویق به خشونت بکند.

در همین رابطه وزارت خارجه انگلیس آخوند بسطی کاردار رژیم در لندن را فراخواند و نسبت به این حکم اعتراض کرد.

جمعه ۲۸ بهمن، وزارت خارجه اسپانیا تهدید رژیم ایران مبنی بر کشتن سلمان رشدی را تحریک غیر قابل قبول به خشونت خواند و آنرا محکوم کرد.

جمعه ۲۸ بهمن، آلمان فدرال کاردار خود را از تهران فراخواند و رسماً به ایران هشدار داد که روابط دو کشور بخاطر این حکم بخطر میافتد و وزارت خارجه این کشور حکم خمینی را شدیداً محکوم کرد.

شنبه ۲۹ بهمن، وزیر خارجه سوئد استن اندرسون حکم خمینی را در رابطه با قتل سلمان رشدی غیر قابل قبول خواند و آنرا محکوم کرد.

شنبه ۲۹ بهمن، رولان دوما وزیر خارجه فرانسه از گریستیان گرف سفیر فرانسه در ایران که در پاریس بسر می‌برد خواست بازگشت خود به ایران را بخاطر فرمان قتل نویسنده انگلیسی به تاخیر بیاورد.

دوشنبه ۱ اسفند، هانس دیتریش کشر وزیر خارجه آلمان تصمیمات کشورهای عضو بازار مشترک

نیزه کرده بودند با فریادهای هیستریک و بیمارگونه خواستار مثله کردن نویسنده کتاب شدند. در این تعایش دنیا با حیرت و اعجاب بینظیری خود را با حیوانات انسان نمایی روبرو دید که هیچ منطقی را نمی‌پذیرند و هیچ حقوقی را بر ای آزادی بیان و حتی فکر و عقیده و انسان دیگران بجز افکار و احساس پلیدشان برای کسی قائل نیستند. تظاهرات لندن نشان داد که دستهای پنهانی رژیم با چه تدارک وسیعی وارد میدان شده‌اند و طبق معمول اهداف خمینی نیز بعین برهه کس روشن گردید. این کتاب چندین ماه پیش از این چاپ شده و حتی یکماه قبل از این فتوا در لندن عده‌ای از مسلمانان قشری به آن اعتراض کرده بودند و رژیم خمینی بخوبی از انتشار آن خبر داشت و تا آن تاریخ هیچگونه اعتراض و ایرادی به آن نگرفته بود. ولی حالا بعد از گذشت چند ماه از انتشار آن فرصت خوبی برای خمینی پیدا شده بود تا با دستاویز قراردادن آن به اهداف شوم و ارتجاعیست جامعه عمل بپوشاند. در پاریس یکی از مزدوران خمینی که جمعیتی بنام "مدای اسلام" را نمایندگی می‌کرد با براه انداختن تظاهراتی مشابه تظاهرات لندن افکار عمومی فرانسه را بشدت بر علیه

خمینی و اعوان و انصارش برانگیخت. روزنامه‌ها و خبرگزاریهای فرانسه اعلام کردند که این مزدور تونس‌ی الاصل حدود ۱۲۲۰۰۰ دلار برای براه انداختن تظاهرات در فرانسه از رژیم خمینی دریافت کرده است. از آنجائیکه این فتوا و حکم اعدام کلمه باشوین و دست اندرکاران ترجمه و نشر آنرا نیز در زیر می‌گرفت ابعاد آن نیز بمراتب و روز بروز شدت بیشتری یافت.

عکس العمل مجامع بشردوستانه دنیا چنان موجی از تنفر و انزجار به همراه داشت که مقامات رژیم بلافاصله سعی در کاهش آن نمودند. بطور مثال خانه‌ای رئیس جمهور رژیم در نماز جمعه ۲۸ بهمن ضمن بیان اینکه اگر سلمان رشدی توبه کند و بگوید اشتباه کرده ممکن است مردم او را عفو نمایند تعادل خود را به حل و فصل این مسئله نشان داد. سلمان رشدی در عکس العمل خود اعلام نمود، از اینکه با کتابش وجدان مسلمانان واقعی را آزرده است پوزش می‌طلبد و خبرگزاری جمهوری اسلامی چند ساعت بعد در گزارش خود بیانیه سلمان رشدی را در جهت عفو وی از طرف مسلمانان دنیا کافی خواند. ولی بلافاصله در گزارش دیگری این نظر را نظر شخصی تلقی کرده و هرگونه تعبیر و تفسیر در این مورد را نادرست دانست. روزنامه اطلاعات ضمن انتقاد از تعیین جایزه برای سلمان رشدی نوشت که: «اگر پول به کسی برای کشتن کسی دیگر در اسلام وجود ندارد و این عمل قتل عمد است. چنین واکنشهایی در تخلف موج اعتراضات و انزجار جهانی بر علیه رژیم خمینی ادامه داشت تا در تاریخ ۳۰ بهمن بیانیه عوری و وجدید خمینی جلاد برهه این تصورات خط بطلان کشید. خمینی در بیانیه جدید خود گفت: "سلمان رشدی حتی اگر توبه کند نمی‌تواند مورد عفو قرار بگیرد و باید کشته شود و بر هر مسلمانی فرض است که از هر امکانی که در اختیار دارد استفاده

آخوند منتظری که مدت‌هاست توسط رقبای خود از میدان بدر شده در هر فرصتی عرصه را بر خائنه‌های و فرسنگجانی تنگ کرده و با مطرح کردن مسائلی از این قبیل و با شعارهایی از قبیل عفو عمومی و آزادی زندانیان سیاسی سعی در جلب افکار عمومی دارد.

اصال در سالگرد انقلاب بهمن خمینی هیچگونه پیامی برخلاف عادت هرساله منتشر نکرد. علت آن خالی شدن دست رژیم و ازسحتوا تهی گشتن شعارهای باصطلاح ضد امپریالیستی ضد امریکایی بود. بعد از ده سال قتل و کشتار و جنگ و بی خانمانی، مردم ایران و جهان بخوبی به ماهیت این شعارها پی برده و دیگر حاضر به پذیرفتن آن نیستند. در چنین شرایطی ترفند خمینی می‌بایست نه تنها تکانی در درون رژیم بلکه در سراسر جهان به نفع وی و رژیم اسلامیش بوجود بیاید. بنظر می‌رسد که انتشار این کتاب فرصت خوبی را بوجود آورده تا بار دیگر خمینی بتواند بعنوان رهبر مسلمانان جهان عرض اندام کند. این مهم با صدور این فتوا و تعیین جایزه‌ای معادل یک میلیون دلار برای کسی که سلمان رشدی نویسنده کتاب را به قتل برساند بر آورده شد. صدور این فتوای جنسی که در آن مجموعه حقوق انسانی و اجتماعی که در اکثر مبارزات طولانی ملت‌ها در سراسر جهان بوجود آمده بود، زیر پا گذاشته می‌شد، موجی از تعجب و انزجار در سراسر دنیا به همراه داشت. خمینی با به سازی گرفتن کلیه شئون اجتماعی ملت‌ها و با ابراز علیسی آن بخوبی نشان داد که تا چه حد حاضر است برای خروج از بن بست‌های ناگزیر رژیمش خود را به آب و آتش بزند و ترور را بعنوان آخرین حربه حتی در برابر مخالفین برون مرزی گسترش دهد.

این فتوا و شکل اعلام آن نشان می‌دهد که خمینی با ذهن ارتجاعی و ضد انقلابیست خواسته شکستهای پیاپی سیاسی خود را به نوعی جبران نموده و بعنوان کسی که رهبر جهان اسلام بوده و حکمش متاع است خود را مطرح نماید. بدنبال این فتوا، عوامل و مسزردوران خمینی در پاکستان تظاهراتی براه انداختند که منجر به درگیری با پلیس پاکستان گردید و در آن ۵ نفر کشته شدند. این تظاهرات که با کمکهای مادی رژیم خمینی و ارتجاعیون پاکستان براه افتاد بنا به گزارش خبرگزاریها در اصل بمنظور تضعیف دولت بینظیر بوتو نخست وزیر پاکستان بود که بتازگی بر سرکار آمده و در این رابطه مرتجعین پاکستان شکست سختی را تحمل کرده بودند. بینظیر بوتو در اولین واکنش خود نسبت به تظاهرات مرتجعین که به بهانه تأیید حکم خمینی در اعدام سلمان رشدی برگزار گردیده بود به این امر تأکید کرد و گفت هدف تظاهر کنندگان تضعیف دولت وی بوده است. موسوی نخست وزیر رژیم خمینی بدنبال این امر یک روز را عزای عمومی اعلام کرد. فردای آنروز جمعیتی چند هزار نفری که عموماً خارجی بوده و توسط عوامل خمینی در انگلستان متشکل شده بودند در جلوی دوربین تلویزیونهای سراسر دنیا نمایی از درنده خوئی و عقب ماندگی فکری را ارائه داده و در حالیکه کتابهای شعلهور را بر

## قوای رسوایی برانگیز

اروپا را در برابر مطبوعات اعلام کرد. بر اساس این معویه کشورهای عضو ابتدا از ملاقات مقامات بلند پایه در ایران و دیدار با مقامات بلند پایه ایرانی صرف نظر می‌کنند و آزادی عمل و استکان سفارتخانه‌های رژیم ایران در کشورهای عضو بازار مشترک محدود می‌گردد و فقط تا محدوده ۶۰ کیلومتری هر پایتختی آزادی تحرک دارند تا بشود رفت و آمدهای آنها را کنترل کرد.

دوشنبه ۱ اسفند، دولت سوئیس با احضار سفیر ایران در این کشور مراتب اعتراض خود را در رابطه با کشتن سلمان رشدی به وی اعلام کرد.

دوشنبه ۱ اسفند، سر جفری هاو وزیر امور خارجه انگلستان اعلام کرد که دولت وی سفیر انگلیسی در ایران را فرا خوانده است و همچنین تاکید کرد که تحت شرایط فعلی ما هیچ دلیلی برای حفظ تماسهای خود نمی‌بینیم.

دوشنبه ۱ اسفند، رئیس جامعه آلمان و عضو وزیر فرهنگ و آموزش آلمان از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست اقدامی مشترک بر علیه فرمان قتل نویسنده انگلیسی انجام دهد.

دوشنبه ۱ اسفند، ۱۲ کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا سفرای خود را از تهران فراخوانند. خبرگزاری رویتر که این خبر را مخابره کرد اعلام نمود که کشورهای عضو جامعه اروپا توافق کردند که در اعتراض به فراخوان رژیم تهران به قتل نویسنده انگلیسی سفرای خود را جهت مشورت از ایران فراخوانند.

دوشنبه ۱ اسفند، ژاک لانگ، وزیر فرهنگ فرانسه حکم خمینی را بشدت محکوم کرد.

سه شنبه ۲ اسفند، دولت فنلاند با احضار سفیر ایران در این کشور نسبت به این حکم اعتراض کرد.

سه شنبه ۲ اسفند، دولت سوئد اعلام کرد سفیر خود را برای مشورت فراخوانده است. به گفته آندرسون وزیر خارجه سوئد این عمل در رابطه با فرمان قتل سلمان رشدی می‌باشد.

سه شنبه ۲ اسفند، دولت نروژ سفیر خود را از ایران جهت مشورت در اینباره فراخواند.

سه شنبه ۲ اسفند، معاون وزارت خارجه برزیل انتشار ترجمه فرمان خمینی به زبان پرتغالی توسط سفارت ایران در این کشور را مداخله در امور برزیل دانست و نسبت به این امر به سفیر ایران در برزیل اعتراض کرد.

سه شنبه ۲ اسفند، دولت انگلیس دیپلمات بلند پایه رژیم ایران در لندن را اخراج کرد.

سه شنبه ۲ اسفند، دولت کانادا کاردار خود را از تهران فراخواند.

سه شنبه ۲ اسفند، دولت استرالیا سفیر ایران در استرالیا را احضار کرد و نسبت به حکم قتل نویسنده انگلیسی اعتراض نمود.

سه شنبه ۲ اسفند، رئیس جمهور آمریکا جورج بوش ضمن حمایت از تصمیم جامعه کشورهای اروپایی در رابطه با تهدیدات رژیم ایران اعلام کرد که هرگاه تحریمات رژیم ایران موجب هرگونه ضرروزیانی به

منافع آمریکا گردد، اورژیم تهران را مسئول آن خواهد دانست.

چهارشنبه ۳ اسفند، دولت اتریش سفیر این کشور در ایران را برای مشورت فراخواند و وزارت خارجه این کشور سفیر ایران در وین را احضار کرد و رسماً به فرمان قتل سلمان رشدی اعتراض نمود.

سه شنبه ۲ اسفند، جولیو آندره‌اتی وزیر امور خارجه ایتالیا حکم اعدام نویسنده انگلیسی را محکوم کرد.

چهارشنبه ۳ اسفند، فرانسو امیتران رئیس جمهور فرانسه، موضع رژیم خمینی را "شرم‌ظلم" نامید و با بیانی بسیار روشن و صریح نفرت و انزجار خود را از حکم قتل سلمان رشدی اعلام کرد.

یکشنبه ۷ اسفند، لوران فابیوس رئیس پارلمان فرانسه و نخست وزیر سابق این کشور در برنامه "هفت روز هفته" خمینی را قاتل خواند.

تعداد بسیار زیادی از مقامات فرانسه از جمله ژاک شیراک و ریمون بارنخت وزیران سابق فرانسه و روسای احزاب و جمعیتها، خمینی را بخاطر فرمان قتل سلمان رشدی محکوم نمودند. علاوه بر این هنرمدان، نویسندگان و روشنفکران فرانسوی با برگزاری حرکات اعتراضی بشکل وسیع در مخالفت و محکوم کردن فرمان قتل رشدی شرکت کردند.

ایزابیل آجانی هنرپیشه زن معروف فرانسوی، در مراسم چهاردهمین فستیوال جایزه سزار در فرانسه هنگام دریافت جایزه بهترین هنرپیشه زن سال بمنظور حمایت از سلمان رشدی در مقابل فرمان قتل خمینی، قطعه‌ای از کتاب معروف وی را برای حاضرین قرائت کرد.

کانون نویسندگان نیکار آگوتی این عمل خود را محکوم کرد.

موج تحلیلیها و اظهار نظرها در کلیه روزنامهها و رادیوها و خبرگزاریهای دنیا ادامه دارد. نقطه مشترک کلیه این تحلیلیها بر این اساس قرار دارد که رژیم خمینی برای سرپوش گذاشتن بر بحرانهای لاعلاج خود مجبور است دست به این اقدامات بزند و اختلافات رژیم بحران زده اش را بنوعی تحت الشعاع قرار دهد.

بدنبال تظاهرات اجیرشدگان خمینی در فرانسه و اظهار صریح بعضی از تظاهرکنندگان به آمادگی برای کشتن سلمان رشدی افکار عمومی فرانسه و بویژه مقامات این کشور شدیداً در جهت جلوگیری از اینگونه اقدامات به فعالیت افتادند و میشل روکار نخست وزیر فرانسه اعلام کرد که علیه کلیه کسانی که در تظاهرات علیه رشدی دست به اقدامات خشونت آمیز بزنند اعلام جرم خواهد کرد.

مارگارت تاجر و فرانسو امیتران رئیس جمهور فرانسه در ملاقاتی که در پاریس صورت گرفت روی حفاظت از جان سلمان رشدی توافق کردند و تاجر در یک محامیه مطبوعاتی دفاع از جان رشدی را یک مسئله اساسی مربوط به آزادی بیان دانست.

رژیم خمینی نیز در جواب به محکومیههای جهانی از سر استعمال و دراصل بخاطر وانمود کردن این مسئله که کشتن سلمان رشدی خواست کلیه مسلمانان دنیا است در نقاط دیگری نیز با راه انداختن مزدوران خود سعی در تحریک افکار عمومی مسلمانان ناآگاه

بر علیه نویسنده کتاب مزبور نمود و با بیان اینکه نشر این کتاب توطئه امپریالیسم و قدرت های غربی برای مقابله با اسلام و رژیم اسلامی می‌باشد اعمالش شکل مسخره و تکراری " مبارزه ضد امپریالیستی" داد.

در هندوستان تظاهراتی در مقابل کنسولگری انگلستان در شهر بمبئی توسط تعدادی از مسلمانان قشری که تحت تاثیر افکار خمینی هستند برگزار گردید که به درگیری با پلیس هدا انجامید و در آن ۱۲ نفر از تظاهر کنندگان کشته و حدود ۴۰ نفر زخمی شدند. علاوه بر آن برای دومین بار در جنوب انگلستان و درین پایتخت آلمان غربی، روتردام در هلند و استکهلم در سوئد نیز تظاهراتی توسط مزدوران خمینی برگزار گردید. به سوازیات این تظاهرات موج ترور و انفجار نیز توسط رژیم بر علیه کتابفروشیهایی که اقدام به فروش این کتاب کرده بودند شروع شد. در روز سه شنبه ۹ اسفند دفتر يك هفته نامه نیویورک و ۲ کتابفروشی در لوس آنجلس بوسیله پرتاب کورکت مولوتف به آتش کشیده شد.

در ایتالیا نیز يك کتابفروشی طعمه حریق گردید و کشورهای اروپایی در این رابطه اقدامات ویژه‌ای را در دستور کار قرار دادند و مراقبتهای امنیتی برای جلوگیری از انفجار اماکن عمومی و کتابفروشیها را افزایش دادند.

رژیم محترم خمینی به‌جوجه فکر نمی‌کرد عکس العمل جهانی در مقابل این گستاخی ضد تاریخی تا با این میزان موجب گسترش تضادهای درونی رژیم گردد از سرناچاری و صرفاً بخاطر از سکه نیانداختن اقدامات ارتجاعی و در تقابل با بن بست کامل دیپلماتیک، طرح قطع ارتباط سیاسی با دولت انگلیس را با قید و فوریت به مجلس برد تا شاید از این راه و بر خورد با منافع اقتصادی دولت تجارت پیشه مارگارت تاجر انگلیس را اواردار به "عذر خواهی" دست برداشتن از حمایت از جان سلمان رشدی بتعابد. این طرح با گذاشتن فرجه‌ای يك هفته‌ای برای عیوش شدن تصمیم دولت انگلیس در مجلس تصویب شد. این مسئله بدنبال اخراج کاردار و دیپلماتهای رژیم در انگلیس و فراخوانده شدن کاردار انگلستان در تهران توسط دولت این کشور صورت گرفت. واکنش دولت انگلیس در این رابطه، رژیم را از خیالات واهی رها نمود و رژیم که دید این ترغیب نیز می‌رود که وضع وی را بدتر کند، درخفا توسط کاردار مزدور، سطحی که در تهران بسر می‌برد تلفنی خواستار ملاقات با مقامات انگلستان بمنظور مباحثه در مورد مسئله سلمان رشدی و آینده روابط دو کشور گردید که سختی توسط مقامات انگلیس رد شد. در این حال رژیم از سر استعمال مطلق مجبور به صدور اطلاعیه‌ای مبنی بر قطع روابط کامل سیاسی با انگلستان گردید.

موج محکومیههای رژیم خمینی بر سر مسئله صدور حکم قتل سلمان رشدی بصورت روزمره ادامه دارد و هر روز بر تعداد دولتها و مقامات و مردم کشورهای دنیا در محکوم کردن رژیم افزوده می‌گردد. همانگونه که بارها در تاریخ شاهد بوده‌ایم دیکتاتورهای جنایتکار وقتی خود را در تنگنا می‌بینند سعی می‌کنند دایره آشوب را گسترش دهند تا برای خود مفری بجویند.

در صفحه ۶

## اخبار و رویدادها...

در تاریخ ۲۰ دیماه ۶۷، علی شمعانی وزیر سپاه پاسداران خمینی همراه یک هیئت پارلمانی و نظامی وارد پاکستان شد. وی در اسلام آباد با رئیس ستاد مشترک ارتش و فرماندهان نیروهای هوایی و دریایی پاکستان بطور جداگانه مذاکره نمود. وی همچنین طی دیدار با خانم بینظیر بوتو پیرامون مناسبات دو کشور، مسائل منطقه و افغانستان به گفتگو پرداخت. هدف اصلی شمعانی از مسافرت به پاکستان، بالا بردن نقش جریانات شیعی در حوادث افغانستان و تلاش برای سازش بنفع رژیم خمینی است. نباید فراموش کرد که بلواشی که برای اولین بار مسئله سلمان رشیدی را مطرح کرد، پس از این مسافرت در پاکستان اتفاق افتاد.

خامنه‌ای جنایتکار در مراسم گشایش دانشکده امور اقتصادی که در تاریخ ۱۱ بهمن ۶۷ برگزار شد با لاف و کزاف اندر اوصاف سیاست اقتصادی رژیم خمینی داد سخن داد و گفت "اقتصاد در جامعه اسلامی یک اقتصاد متمرکز مانند کشورهای سوسیالیستی و یا یک اقتصاد باز مانند کشورهای سرمایه‌داری نیست. بلکه یک خط وسطی وجود دارد که علمای ما باید از روی علائم و نشانه‌های آن خط وسط را روشن کنند" (رادپسو رژیم - ۶۷/۱۱/۱۱).

امروز هرکسی می‌داند که خط وسطی که خامنه‌ای از آن دفاع می‌کند، خط جهل، فقر، فحشاء، بیسی خانمانی، جنگ، اختناق و در یک کلام خط رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی خمینی است.

۱۲۷ تن از نمایندگان مجلس ارتجاع، نسبت به افشاء بدهی خارجی رژیم اعتراض نموده و خواستار محاکمه مسئولین روزنامه رسالت شده‌اند. روزنامه رسالت افشاء نموده که رژیم مبلغ ۱۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و اکنون می‌خواهد با تصویب یک اصلاحیه محرمانه بوسیلان آن بیافزاید. احمد توکل، سردبیر روزنامه رسالت در مقابل این حمله نمایندگان مجلس ارتجاع اعتراض نموده و گفته است که مردم (بخوانید) تجار و بازرگانان باید از حقایق باخبر باشند.

تابش استاندار جنایتکار کردستان در تاریخ ۱۵ بهمن ۶۷ به خبرنگاران گفت "اختصاص ۵۰ میلیون دلار ارز برای اجرای شبکه گاز رسانی به محور غرب کشور، آغاز مطالعه و بررسی پروژه راه آهن - اختتام ۱۰۰ نفر دانشجوی به استان کردستان پیش از سهمیه مقرر این استان برای دانشگاههای کشور و اختصاص مبلغ ۸۰ میلیون ریال کمک به مستندان استان کردستان در آستانه دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از مهمترین تصمیمات هیئت وزیران در جهت محرومیت زدایی استان کردستان بوده است" (رادپسو سندج - ۶۷/۱۱/۶). مثلی است معروف که می‌گویند سالی که نکوست از بهارش پیداست. وقتی رژیم از ابتدا برای مردم کردستان چیزی جز کشتار،

غارت، محاصره اقتصادی، شکنجه، بمباران و اعدام ارمغانی نداشته، حالا که کوس رسواشی اش بر سر هر کوچه و بازار زده میشود، هیچکس دروغ‌های این استاندار جنایتکار را قبول نخواهد کرد.

رژیم خمینی هر چند مدت یکبار با صرف هزینه بسیار، تعدادی از مزدوران خود را از چند نقطه جهان جمع آوری کرده و جلساتی تحت عناوین "کنفرانس" "سمینار" و... تشکیل می‌دهد. در روز ۹ بهمن ۶۷ نیز خامنه‌ای جنایتکار در یکی از این نمایشات که تحت عنوان "هفتمین کنفرانس اندیشه اسلامی" برگزار شد سخنرانی نمود. خامنه‌ای در سخنرانی خود سیاست ارتجاعی رژیم خمینی در مقابل مسائل لبنان، فلسطین، افغانستان و سایر نقاط را با زهم تکرار نمود. خامنه‌ای مدعی شد که "امروز تفکر اسلامی بعنوان تفکر سوم و بعنوان یک ایدئولوژی انقلاب در مقابل تفکر شرق و غرب مطرح شده" (رادپسو رژیم ۶۷/۱۱/۹).

معلوم نیست رژیم خمینی و رئیس جمهور جنایتکارش چه گلی بسر مردم ایران زده که حالا می‌خواهد مردم جهان را نجات دهد.

محتشمی جنایتکار وزیر کشور رژیم خمینی در روز ۴ اسفند مصاحبه‌ای با هفته نامه لبنانی المستقبل که در بیروت منتشر میشود انجام داد در آن مصاحبه صریحا به قتل عام زندانیان سیاسی اعتراف کرده. وی در جواب خبرنگار این هفته نامه که در مورد اعدامها از وی سوال کرد گفت: "برای فیصله دادن به این مسئله باید بگویم که تمام کسانی که دستگیر شده‌اند یا کسانی که به آنها پیوستند اعدام شده‌اند".

اظهارات این مزدور موجی وسیع از نفرت و انزجار جهانی را برانگیخت و نشریات مختلف جهان و تلویزیون فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی با نقل این اعتراف اخبار آنرا به سراسر جهان مخابره کردند. در مقابل عکس العمل‌های جهانی آخوند محتشمی بلافاصله نسبت به تکذیب خبر اقدام کرد و گفت که نشریه المستقبل حرفهای وی را تحریف کرده است ولی طبق معمول از این ترفند نیز طرفی نیست و رسانه‌های جهانی همچنان به نشر خبر مشغولند.

بنسایت فرارسیدن ۱۹ بهمن سالروز تولد سازمان پیشتاز فدایی و ۲۲ بهمن انقلاب پرشکوه خلقهای ایران، رفقای هوادار سازمان در کشورهای مختلف با بخش و نصب اعلامیه و برپایی میز کتاب و شرکت در مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن که توسط اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران و مراسمی که توسط شورای ملی مقاومت در چندین کشور دنیا برپا شد به فعالیت‌های انقلابی پرداختند. در زیر به گوشه‌ای از این فعالیتها اشاره می‌کنیم.

آلمان غربی: انجمن هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پهروبرنامه (هویت) در آلمان غربی بنسایت بزرگداشت روزهای تاریخی بهمن

اطلاعیهای تحت عنوان "جاویدان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق" صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است:

"انقلابیون بزرگ، فرزندان برومند عصر خویش هستند. آغازگرانی که پاسخ سوالات خود را از دل شرایط اجتماعی و زندگی روزمره توده‌ها بیرون کشیده و با تمام نیرو به کار بست تفکر حاصله بر موقعیت عینی پرداخته‌اند." در قسمتی دیگر از این اطلاعیه می‌خوانیم: "بهمن ماه یادآور روزهای تاریخی و سراسر با شکوهی است که از حماسه سپاهکسل در نوزدهمین روز این ماه در سال ۴۹ آغاز و تا ۲۲ بهمن روز دفن نظام جابرانه سلطنتی امتداد می‌یابد. سر فصلهایی که به حق تجربه‌های گرانمایی درپرونده مبارزات کارگران و زحمتکشان میهنمان به همراه آورده‌اند. آتشی که فرمانده کبیر رفیق علی اکبر صفائی فراهانی برافروخت و با خون جزئیها، جنسیت، نژادها، خانمانیها و دیگر شهیدای خلق شعله‌ور شد، اکنون می‌رود تا همچون ۲۲ بهمن سیل اخگرهای توده مسلح را این بار هر چه متشکرت و سازمانیافته‌تر بر خرمن هستی ناپاک ضد خلق جاری سازد. دورتیبست آن روز".

انجمن هواداران سازمان در آلمان غربی با تکثیر و پخش وسیع بیانیه سازمان و برپایی میز کتاب و نیز شرکت در مراسم بزرگداشت سالگرد شهادت اشرف و موسی و تجلیل از خاطره ۱۲۰۰۰ تن از زندانیان سیاسی شهید اخیر که به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان آلمان غربی هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران برگزار گردید نسبت به بزرگداشت این روزهای تاریخی همت گماشتند.

اسکاندیناوی - استکهلم، بنظور بزرگداشت سالگرد انقلاب ضد سلطنتی و نیز بزرگداشت ۱۹ بهمن در استکهلم پایتخت سوئد مراسم از طرف هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران برپا شد که رفقای هوادار سازمان در اسکاندیناوی با پخش وسیع بیانیه سازمان در این مراسم شرکت کردند.

کپنهاک - در کپنهاک پایتخت دانمارک نیز رفقای هوادار سازمان با پخش و نصب بیانیه سازمان در نقاط مختلف شهر که در رابطه با بزرگداشت روزهای تاریخی بهمن ماه انتشار یافته بود، این روزهای تاریخی را گرامی داشتند و بر عزم خود نسبت به مبارزه با بیدادگران پای فشردند.

امریکا:

واشنگتن و بیرجینیا - رفقای هوادار سازمان در امریکا با نصب بیانیه سازمان بر روی دیوارهای چند دانشگاه در این منطقه و همچنین برپایی میزهای کتاب در محل برگزاری مراسم بزرگداشت ۱۹ بهمن که از طرف انجمن هواداران مجاهدین خلق در این محل برگزار شده بود خاطره روزهای تاریخی بهمن را گرامی داشتند. در این مراسم و در جلوی محل برگزاری میز کتاب پوستر بزرگی با عنوان فرازهایی از بهمن خونین شامل عکسهای از شهدای بهمن ماه و عکسهای از ایران و شعری کشورم چه رفته است جلب توجه می‌کرد. در این منطقه رفقا با نصب اعلامیه‌ها، تراکتها و پوسترهایی که تهیه کرده بودند به فعالیت‌های انقلابی پرداختند.



توضیح نبرد خلق: هفته نامه گاردین که در نیویورک منتشر میشود یک نشریه رادیکال و مستقل است که بیش از سی سال است ناشر دیدگاههای چپ در رابطه با مسائل آمریکا و سایر نقاط جهان میباشد. مایکل پارنتی نویسنده این مقاله، از شخصیت‌های فعال در جنبش چپ آمریکاست که دارای تالیفات متعدد بوده و در دانشگاه‌ها و اجتماعات مترقی به سخنرانی می‌پردازد. نبرد خلق با چاپ مقاله او، خوانندگان خود را با دیدگاه او در رابطه با پروتستریکا و گلاسنوف برای درک بهتر آنچه امروز در اتحاد شوروی می‌گذرد آشنا می‌کند.

### "اگر گلاسنوف این است، چه کسی به ضد کمونیسم احتیاج دارد؟"

هفته نامه : گاردین  
تاریخ: ۹/ نوامبر ۱۹۸۸  
نویسنده: مایکل پارنتی

تلاش شورویها در رابطه با پروتستریکا و گلاسنوف یک واقعه تاریخی خوشایند می‌باشد. این تلاش، منجر به انفجاری از انتقاد از خود در مطبوعات و سایر نهادهای آن کشور شده است.

بسیاری از حملات به اعمال و رفتار گذشته‌ها را میتوان در نشریات انگلیسی زبان چاپ شوروی مطالعه کرد از جمله ورلد مارکسیست ریویو، سوویت لایف و مسکو نیوز، این نشریات و سایرین، مقالات گوناگونی را در رابطه با افشای فساد، سوء استفاده‌های اداری، رکود اقتصادی، تضعیفات استالین، سانسور و اعمال غیردموکراتیک منتشر می‌سازند.

اما در چهارچوب گلاسنوف، گاهی اوقات خود این منتقدین شایسته، انتقاد می‌باشند. موافقت با گلاسنوف بدین معنی نیست که ما مجبور به قبول بی قید و شرط هر تحول جدید و باهره‌محبت جدید در شوروی می‌باشیم، در نظر من بعضی از این منتقدان شوروی چنان بی‌رحمانه منفی باف هستند و چنان مایل به انعکاس تبلیغات غربی می‌باشند و چنان عساری از درک دستاوردهای مثبت جامعه شوروی می‌باشند که من گاهی اوقات از خودم می‌پرسم: اگر گلاسنوف این است، چه کسی به ضد کمونیسم احتیاج دارد؟

سگونیوز (اخبار مسکو) رابه عنوان معسرف "تفکر جدید" در نظر بگیرد، به هفت زبان بی‌اندازه تیراژی حدود یک میلیون و ۱۴۰ کشور منتشر میشود. اخبار مسکو خود را به عنوان "روزنامه‌ای از قلب اتحاد شوروی" توصیف می‌کند. شیوه بت شکنانه آن موجب حملات بسیاری از طرف عناصر ارتدکس حزب کمونیست شده است. اما احتیاجی نیست که شما یک "محافظه کار" باشید تا در مورد "تفکر جدید" سوالاتی برایتان مطرح باشد. درحقیقت، من نامه زیر را برای سردبیر سگونیوز ارسال داشتم:

یکور یاکوف، سردبیر اخبار مسکو:

سردبیر عزیز، یاکوف

می‌خواهم که از شما بخاطر چاپ مقالات افشاگرانه در مورد زندگی در شوروی تشکر کنم. اما بعضی چیزها در مورد روزنامه شما مرا دلگیر می‌سازند که می‌خواهم راجع به آنها با شما صحبت کنم. تمام مواردی که در ذیل می‌آیند، تنها فقط از یک شماره اخبار مسکو یعنی نشریه ژوئیه ۱۹۸۸ می‌باشند.

۱- در مقاله‌ای با تیتر "اکثریت خاموش" در شوروی، شما به درستی به تقبیح دکماتیس و پیشرفت میز نشینی در حزب کمونیست شوروی پرداختید. اما آیا این تعامی آن چیز است که حزب در دهه‌های گذشته بوجود آورده است؟ آیا این اظهار نظر شما که "عضویت در حزب به معنای برده‌گی بود" بیان کننده تجربه اکثر اعضای حزب در چند سال گذشته می‌باشد؟ اگر چنین است، چگونه چنین حزبی توانست افرادی مانند میخائیل گورباچف و حامیان او را بوجود بیاورد؟

۲- در مقاله‌ای در ستایش از آزاده ساخاروف، چرا به حمایت او از جنگ امپریالیستی آمریکا در ویتنام و پشتیبانی او از طرح موشک‌های ضربه اول "ام ایکس" رنگان اشاره‌ای نکردید؟ آیا به احترام گلاسنوف و بحث آزاد، نباید که شما خوانندگان خود را از دلبستگی‌های دست راستی ساخاروف با خبر سازید؟

۳- در همین شماره ژوئیه گزارشی از مسابقه ملکه زیبایی در مسکو و عکسی از "اولین ملکه زیبایی مسکو" وجود داشت. آیا شما با مسابقات زیبایی که در آنها زنان نمایش دانه میشوند، مورد چشم چرانی واقع می‌شوید، و برای مسابقات فیزیکی خود مورد قضاوت واقع شده و "تاج‌ها" میشوند موافق هستید؟ آیا این بخشی از گلاسنوف و پروتستریکا می‌باشد؟ اگر چنین است، به چه صورت؟ چگونه این کار کمونیست زندگی در شوروی و زندگی زنان شوروی را بالا می‌برد؟ مقاله در این مورد چیزی نمی‌گوید.

۴- در رابطه با گزارشات راجع به کشتا و ورزان و امداران مرفه غیردولتی، آیا نظر شما اینست که پروتستریکا به معنی بازگشت به مالکیت خصوصی، جیب خود را پر ساختن و لغو مقررات دولتی می‌باشد؟ به نظر می‌رسد که شما با تعارضات و دریاقت مالیات سنگین از کشاورزان مرفه غیردولتی مخالف هستید. اگر چنین است، به چه دلیل؟

۵- در مقاله‌ای راجع به نوازندگان و پیشه وران دوره گرد، شما از آنها به عنوان "شکوفایی دلپذیر فعالیت خصوصی" یاد می‌کنید. از حرفه‌های خیابانی گذشته، چه میزان فعالیت خصوصی را برای کشور خود می‌خواهید؟ مقاله شما آنرا نمی‌گوید، برداشت شما از "فعالیت خصوصی" چیست؟ آیا هم شما چیز است که در آمریکا "شکوفایی" شد؟ گزارش شما اصلاً چیزی در این مورد نمی‌گوید.

۶- در شماره اخبار مسکو حداقل دارای دو مقاله در مورد جرائم استالین می‌باشد. یکی از این مقالات در همین شماره ژوئیه اشاره دارد به "میلیونها نفری که استالین نابود ساخت". کدام منبع اطلاعات به شما اجازه می‌دهد که نتیجه بگیرید که تعداد قربانیان استالین سربه میلیونها می‌زند؟ آیا شما برای چنین ارتقایی به نویسندگان ضد شوروی در غرب مراجعه می‌کنید؟ چه تحقیق قابل اعتمادی در این مورد در شوروی ویا جاهای دیگر شده است؟ مقاله شما

چیزی نمی‌گوید.

۷- بطور کلی جزا مقالات شما، که خوانندگانی در صدد چهل کشور دارد، به شکلی یکناخت منفی هستند و هیچ اشاره‌ای به دستاوردهای عظیم سوسیالیزم ندارند؟ آیا شما هیچ چیز مثبتی در جامعه معاصر شوروی نمی‌بینید؟ مقاله شما چیزی در این مورد نمی‌گوید.

آقای یاکوف، به نام گلاسنوف من امیوارم که شما نه تنها این نامه را منتشر سازید بلکه به سوالات مختلف مطروحه نیز پاسخ دهید.

### ده سال بعد ایران برای بازسازی تلاش می‌کند

واشنگتن پست ۲۹ ژانویه ۱۹۸۹

نویسنده: پاتریک تیلور

ترجمه خلاصه شده

نویسنده در مورد چگونگی انقلاب در ایران صحبت می‌کند و می‌گوید که اکنون جشن انقلاب در ایران است و خانه‌ای از مردم خواسته است که بمناسبت این جشن چراغهای زیادی روشن نکنند که سیستم برق خراب بشود! او می‌گوید بگفته صاحب نظران دولت ایران تلاش می‌کند پس از قبول آتش بس به مردم و به جوانان غرور انقلابی را بازگرداند.

برای آمریکا شواهد این مراسم خاطرات ناراحت کننده‌ای دارد. اما بسیاری از تحلیلگران سیاسی، هم ایرانی و هم خارجی می‌گویند با تغییر رژیم جمهوری آمریکا رابطه ایران و آمریکا بهتر خواهد شد. مقامات رسمی در اینجا عقیده دارند که بسوش "واقع بینان‌تر" خواهد بود. همانطور که در روزنامه دولتی ایران، شهران تایمز، هم در مطلب برگزینی مراسم رئیس جمهوری ایتر نوشت. اما جناحی در ایران به رهبری علی اکبر محتشمی و دیگران مخالف برقراری روابط با آمریکا می‌باشند. او گفته است "گرچه گرگ است حتی اگر بخواهد اسمش را عوض کند" - به نظر می‌آید که "مسئله آمریکا" فعلاً مسئله مهمی در ایران است.

نویسنده سپس از شرایط سخت اقتصادی در ایران صحبت می‌کند و می‌گوید در تهران ۱۲ میلیون خسوز پنجه‌ها شکسته شده در اثر برتاب موشک برجاست. خانه‌های بسیاری در این زمستان سردند زیرا خاموشی تا ۶ ساعت در روز بطول می‌کشد. نفت نیست و مواد غذایی فقط در بازار سیاه فروخته میشود و قیمت ها بسیار بالاتر از استطاعت مردم است. بازار تهران برای میلیونها ایرانی که در آستان ۱۰۰ درصد بالا رفته جای ناراحت کننده‌ای است. این گفته تحلیلگران (گران) گوشت، شکر، برنج، کره، تخم مرغ، پنیر، نفت، مایونز، نیایب است و مشتریها ساعتها دره‌های سرد برای دریافت آن ویا دریافت کوبن می‌ایستند.

بلک نظاره‌گر اروپایی می‌گوید: "برای مردم معمولی زندگی بسیار سخت است". لباس سربازی برتن جوانان به اندازه چادر زنان به چشم می‌خورند.

این جوانان تازه از جنگ برگشته‌اند و بدون شغل مانده‌اند. بعضی ها دست به معامله در مواد مخدر زده‌اند کاری که نان کارگران را در می‌آورد. در نتیجه دولت قانون جدیدی برای مجازات آنها گذاشته، حدود

### دورسانه‌های خبری جهان

از صفحه ۵

۷۰ نفر را هم در این ماه اعدام کرده .  
 یک زاننده تاکسی می‌گوید: " پدرم راهفته دیگر اعدام می‌کنند او بیول نداشته وسواد مخدر می‌فروخته می‌توانید باور کنید؟ " مسئله جوانان بیسواد و بی‌سواد خطرناک می‌شود چنانچه دولت نتواند رشد جمعیت را که ۳/۷ درصد است کنترل کند ( یکی از بالاترین ردها در دنیا ) جمعیت ایران بزودی ۱۰۰ میلیون خواهد شد ، ناقبل از پایان این قرن ، سفارت‌های خارجی دائما فرم تقاضای مردم را می‌گیرند که بی‌خواهند از کشور خارج شوند خصوصا بزرگسالان که نقشی در این انقلاب ندارند . خامنه‌ای به هزاران جوان در نماز جمع می‌گوید که ما خدمات زیادی از جنگ دیده‌ایم اما تا امروز و در این ۱۰ سال رهبر ما ، ملت ما و دست اندرکاران ما یک قدم هم از اصول ویرانه‌ساز خود کوتاه نیامده‌اند . یک خبرنگار که برای سومین بار به ایران رفته می‌گوید: " تعداد بسیار زیادی از مردم می‌خواهند که احصاسات منفی خود را نسبت به دولت نشان دهند و حاضرند برای یک چیز بهتر بچکنند ."  
 یک فرد دولتی بسیار مذهبی که یک بسیجی داوطلب بوده می‌گوید: " من از اتفاقات بعد از انقلاب ناراضی هستم ، هیچک از خواسته‌های ما و ارزش‌های ما چیزهایی که برایش جنگیدیم جواب داده نشده " . او می‌گوید از مبارزه بر علیه سیاست‌های " احفانه " و مدیریت ناشایسته " کسی که ناراضی ، ستم و کمبود در جامعه " ایجاد کرده حمایت می‌کند ، " یک مسلمان همیشه برای ارزش‌های خود مبارزه می‌کند " . یک خلبان هلیکوپتر جنگی که از تصمیم آتش بس خمینی ناراضی است می‌گوید " من این رژیم را دوست ندارم اما فرق داره من چی بگم بهر حال من یک ایرانی هستم و برای ایران می‌جنگم " .  
 از یک تحلیلگر اروپایی که به فارسی صحبت می‌کند می‌پرسم فکر می‌کنی انقلاب شکست خورده ، او می‌گوید " فکر نمی‌کنم شکست خورده ولی یک سوال سیاسی مهم وجود دارد و آن اینکه بعد از این می‌خواهند چکار کنند . چنانکه بخواهند اصول انقلاب را حفظ کنند و همین افراد هم در قدرت باقی بمانند " .  
 یک متخصص امور ایران می‌گوید: " با تمام پیش بینی‌های که می‌شد که اینها رفتنی هستند ، اما هنوز آنها در قدرت مانده‌اند . من فکر می‌کنم این آدمها بهر حال یک نقطه مشترک با یکدیگر دارند بیشتر از آنکه ما بتوانیم بفهمیم و آن اینکه همگی می‌دانند اگر سیستمون بره همشون باید بروند " .  
 نویسنده سپس از اختلافات درون رژیم صحبت می‌کند و می‌گوید می‌گوید تحلیل‌گران غربی می‌گویند که " میانه روها " می‌خواهند انقلاب را تثبیت کنند ، روابط دیپلماتیک را نرمال کنند ، سختی‌های اقتصادی را کم کنند و به جامعه آزادی اجتماعی و سیاسی بدهند و خواستار کمال‌های مالی و تکنیکی غرب هستند اما " رادیکالها " طرفدار کنترل شدید دولتی هستند و می‌خواهند که تنها از ذخایر داخلی استفاده شود . اما منحصمین در امور ایران می‌گوید ، " مسائل روز به روز سیاسی اینجا بسیار پیچیده است ، این برجسها واقعیت ندارند . مسائل پیچیده‌تر از آن است که ما

میدانیم . بسیاری از مسائل مربوط به مسائل و اختلافات روحانیون است . چیزی که ما از سر سرد نمی‌آوریم ، چیزهایی که در فرمول میانه‌رو ، افراطی و واقع‌گرا نمی‌گفتند " . با این تمام اینها خمینی قرار می‌گیرد . نویسنده تاریخچه کوتاهی از خمینی ، مصدق و شاه می‌نویسد و بعد می‌گوید که خمینی مبتلا به سرطان است و سال گذشته گفته شده که تا یکسال بیشتر زنده نخواهد ماند . رقیب خمینی منتظری است که ایرانیها می‌گویند مورد علاقه مردم نیست ، بنابراین تحلیل‌گران بیشتر به رقتنجانی توجه دارند و فکر می‌کنند همه کارها را او درست خواهد کرد . اما منتظری هم این روزها بیشتر صحبت می‌کند و به دولت نصیحت می‌کند و آرزای فردی بسیار دفاع می‌کند و سپس نویسنده از نامه منتظری به خمینی صحبت می‌کند . تا بحال هیچ روحانی حتی خمینی دولت را این چنین آشکار مورد انتقاد قرار نداده است و بسیاری از ایرانیان فکر می‌کنند او می‌تواند سیاست‌های دولت را تغییر دهد . سپس نویسنده اشاره به نامه مهدی بازرگان می‌کند و قسمتهایی از نامه او را می‌نویسد . موسوی پس از جنگ قانونی را اعلام می‌کند که گروههای سیاسی می‌توانند فعالیت کنند . مدیر دولت گفت: " دولت مجبور است که آزادی به جامعه بدهد راه دیگری ندارد " .  
 نویسنده باز از بازرگان می‌نویسد و می‌گوید او تصمیم دولت برای آزادی احزاب سیاسی را تحسین می‌کند .

ابراهیم زیدی یک رهبر روشنگر اپوزیسیون می‌گوید: " قدرتهای بسیاری در ایران وجود دارد اما هیچک نتوانسته‌اند شرایط لازم برای دموکراسی در جامعه " را ایجاد کنند . زیدی می‌گوید این مسئله آزمایش برای دولت است که آیا قادر خواهد بود آزادی کامل به گروههای سیاسی بدهد یا نه " . این بسیار سخت و طولانی خواهد بود ، ما ، روشنگران اپوزیسیون باید صبر و تحمل داشته باشیم .

### فتوای رسوایی برانگیز قتل سلمان رشدی

از ص ۳  
 سرتوشت رژیم خمینی شباهت بسیاری به سرتوشت مغرب دارد که در محاصره آتش با نیش زهر آگین بجان خویش میافتد . در حال حاضر آثار " زهر " را بخوبی میشود مشاهده کرد .

**تصحیح و پوزش:**  
 در نشریه شماره ۵۶ ، صفحه ۶ در زیر عنوان فراهایی از پهن خونین شعری که با شماره ۲ مشخص شده از احمد شاملو می‌باشد که به اشتباه بنام سعید سلطانپور نوشته شده است .

**مردم ایران:**  
 رژیم خمینی به کشتار زندانیان سیاسی ادامه می‌دهد . مبارزه متحد و یکپارچه شما ، می‌تواند به این جنایت بزرگ تاریخ بشری خاتمه دهد . برای توقف قتل عام زندانیان سیاسی ، برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی ، مقاومت انقلابی مسلحانه را از هر طریق ممکن یاری کنید . سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پهرو برنامه (هویت) ص ۲

### برخی از رویدادهای تاریخی

- ۲۲ فروردین ۱۳۵۷ - پایان موفقیت آمیز اعتصاب غذای ۲۹ روزه زندانیان سیاسی در زندان قصر
- ۲۳ فروردین ۱۳۷۷ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ تا کسیران در تهران
- ۲۷ فروردین ۱۳۳۰ - اعتصاب ۱۲ روزه ۴۰۰۰۰ نفر از کارگران نفت در آبادان
- ۲۸ فروردین ۱۳۶۶ - تصویب طرح حقوق زنان در شورای ملی مقاومت
- ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ - یورش جنایتکارانه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به شهر سنندج و آغاز جنگ یکماهه در داخل شهرونی آغاز دوردوم جنگ علیه مردم کردستان
- ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ - تیرباران و شهادت رساندن چهار نفر از رهبران سازمان مجاهدین ، علی باکری ، محمد بازرگانی ، ناصر صادق و میهن دوست توسط رژیم شاه
- ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ - شهادت رفقای فدایی بیژن جزئی حسن ضیا ، ظریفی - عباس سورکی - سعید ( مشعوف ) کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سمردی - احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل در تبعه‌های اوین توسط مزدوران ساواک شاه
- ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مقر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آبادان **روزهای جهانی:**
- ۲۱ مارس برابر با اول فروردین - روز بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی
- ۲۷ مارس برابر با ۷ فروردین - روز جهانی ناتر
- ۲ آوریل برابر با ۱۴ فروردین روز بین المللی کتاب کودک
- ۱۷ آوریل برابر با ۱۸ فروردین - روز جهانی بهداشت
- خارجی:** از ۲۱ مارس تا ۲۰ آوریل
- ۲۱ مارس ۱۹۶۸ - نبرد قهرمانانه مردم فلسطین در کرامه یکی از حماسی ترین نبردهای خلق فلسطین و نقطه عطفی در تاریخ جنبش مردم فلسطین
- ۲۲ مارس ۱۹۵۸ - خروج عراق از پیمان امپریالیستی سنتو
- ۲۶ مارس ۱۷۷۰ - تولد لودویگ بتهوون موسیقی دان بزرگ
- ۲۶ مارس ۱۹۱۹ - تشکیل نخستین کنگره انترناسیونال سوم
- ۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش راهشبخش مردم آنگولا به رهبری "مپلا"
- ۲۷ مارس ۱۹۸۶ - درگذشت بوری گاکارین ، اولین فضانورد جهان
- ۲۸ مارس ۱۹۶۸ - تولد ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ
- ۲۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس ، نخستین حکومت کارگری در جهان
- ۳۰ مارس ۱۹۷۶ - روز زمین برای مردم فلسطین ، به مناسبت اشغال سرزمینهای فلسطین توسط اسرائیل
- ۴ آوریل ۱۹۶۸ - شروع جنایتکارانه مارتین لوتر کینگ از رهبران جنبش سناهیونستان آمریکا
- ۴ آوریل ۱۹۲۵ - آزادی کشور مجارستان از سلطه دولت فاشیستی هیتلر
- ۴ آوریل ۱۹۸۳ - ترور ملیدا مونتر (آنا ماریا) فرمانده دوم سازمان آزامبخش خلق السالوادور در یک توطئه درونی

## گزارش مراسم گرامیداشت حماسه سیاهکل

روز ۱۹ بهمن امسال، برای گرامیداشت حماسه سیاهکل و آغاز نوزدهمین سالروز تولد سازمان پیشناب فدایی و دهمین سالگرد قیام برشکوه خلقهای ایران مراسم پرشوری به مدت ۳ ساعت با حضور مسئولین، اعضا، پیشمرگان، دوستان و همپیمانان سازمان در یکی از پایگاههای سازمان ما در نوار مرزی ایران و عراق برگزار گردید. مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت جهت گرامیداشت خاطره شهیدای فدایی و تمامی شهیدای سه خون خفته خلق آغاز و سپس سرود انترناسیونال توسط گروه سرور اجرا شد. پس از آن پیام کمیته کردستان سازمان توسط رفیق حسین جانشین مسئول کمیته کردستان قرائت گردید. سپس رفیق سعید یزدانپناه عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته کردستان سازمان به سخنرانی پرداخت. رفیق سعید در سخنرانی خود تحلیل مختصری از اوضاع فعلی جامعه ما و جنبش انقلابی و کمونیستی و جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد ارائه نمود. در این مراسم مادر فدایی شهید رفیق رشید یزدانپناه (کاک سمکو) طی پیام کوتاهی سالروزهای ۱۹ بهمن و قیام ۲۲ بهمن را به شرکت کنندگان در مراسم تبریک گفت. (این پیام در پایان همین گزارش چاپ میشود). در این مراسم سرودهای ۱۹ بهمن، به اجرا درآمد. همچنین توسط گروهی از رفقای سازمان اشعاری در این مراسم قرائت شد. قسمت اول مراسم با سرود ای پرچم دارستمکشان پایان یافت. در بخش دوم برنامه، پس از خواندن چند ترانهی فارسی، کردی، لری برنامه رقص گردی توسط شرکت کنندگان اجرا شد. در این مراسم که تعداد زیادی از اهالی محل نیز شرکت داشتند، کلیه سخنرانها به زبان کردی صورت گرفت که ترجمه فارسی پیام مادر شهید قهرمان کاک سمکو به قرار زیر است.

" حضار محترم  
برادران عزیز

من بعنوان مادر یک شهید به شما خوش آمد می گویم. بسیار متشکر و سپاسگزارم از اینکه در این مراسم شرکت نمودید. ما ضروری می دانیم که هر سال چنین روزی، سالروز حماسه سیاهکل را گرامی بداریم. به همین مناسبت مجدداً از شرکت شما در این مراسم سپاسگزارم. پیام من که مادر شهید قهرمان رشید یزدان پناه هستم و تمام داروندار و هشیام را فدای آزادی کرده و می کنم و هیچگاه هم پشیمان نخواهم شد، برای شما و همه پیشمرگان اینست که باید همچنان به مبارزه ادامه داد. در شرایطی که خمینی جنایت کار با قتل عام زندانیان سیاسی، دست به جنایاتی تازه زده باید بیش از اسالهای گذشته برای تشدید مبارزه متحد شویم. به امید پیروزی.

نیش میزند. بعد از قبول آتش بس از جانب رژیم خمینی، اختلافات درونی رژیم با شدت و وحدت هر چه بیشتری تداوم پیدا کرده است. هم اکنون در فرین رژیم یک جناح اصلی و صم وجود دارد که بر سرکست نهایی قدرت سیاسی در حال نواح بر می برد. یک جناح که جناح مسلط است به رهبری و فسنجانی و خامنه ای در صدد است جاسعهای مطلوب کشورهای غربی و بخصوص آمریکا در ایران سنتر نماید. جناح دیگری که جنبش انتظار می رود در آینده اکثر مخالفان درونی رژیم حول آن خود را سازمان دهد و نیز یکی از محورهای در صدد

## سخنرانی رفیق سعید یزدانپناه در مراسم گرامیداشت حماسه سیاهکل

ایران را دوستی تسلیم رژیم سناک و دیکتاتوری همچون رژیم خمینی نماند.

این رویداد چنان زخم عمیقی بر پیکر جنبش کمونیستی ایران وارد نموده، که اثرات آن تا مدتها باقی خواهد ماند. بحران عمیقی که خصوصاً بعد از سرنگونی رژیم شاه شروع شد، متأسفانه همراه با انشعاب و انشقاق و تجزیه نیروهای مختلف همچنان ادامه دارد. این چنین شرایطی مانع از آن گردیده است که جنبش کمونیستی ایران بتواند نقش خود را در چنین شرایط حساس سیاسی ایران ایفا نماید. سن فکر می کنم عوامل مختلف در راهی جنبش کمونیستی ایران از بحران و تجزیه تاثیر دارند. از جمله برنامه، اساسنامه، استراتژی دقیق و مدون و... اما از نظر سیاسی یک مسئله بسیار اساسی را باید بطور قاطع حل کرد. مسأله ای که پیمانگاران سازمان و زندگان سیاهکل در دوران دیکتاتوری پهلوی بدان جواب صحیح دادند. آنهم مشی مبارزه مسلحانه علیه رژیمهای دیکتاتوری است در غیر اینصورت امکان خلاصی از بحران و تشفست نیست.

رفقا و دوستان عزیز

ما پیمان بسته ایم که راه شهیدای سیاهکل و رهبران گرانقدرمان را تا به آخر ادامه دهیم. ما صمم هستیم تا تحقق استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیزم، یک دم نایستیم.

رفقا و دوستان عزیز

بعد از پیروزی قیام در ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه، رژیمی از جنایات، سرکوبگری، سفاک تر از رژیم گذشته برایمان حاکم شد. اکتون ۱۰ سال است که رژیم خمینی برایمان حکومت می کند. ۱۰ سال حاکمیت رژیم خمینی غیر از کشت و کشتار، ویرانی و خرابی و... چیزی به ارمان نیاروده است. دهها هزار شهید، دهها هزار زندانی سیاسی، میلیونها بی خانمان و آواره جنگی، میلیونها کشته و زخمی بجا مانده از جنگ و سرکوب همه آزادیخواهان و منهن پرستان، سرکوب جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد. افلاس اقتصادی و... و جویی از نتایج حاکمیت رژیم خمینی است. اگر بتوانیم بگوئیم که رژیم خمینی روی دویا ایستاده است، یکی سرکوب داخلی و دیگری جنگ خارجی. در شرایط کنونی یک پای رژیم یعنی جنگ خارجی آن شکسته است. رژیم خمینی با لاجبار وقتی که امکان ادامه جنگ برایش نبود قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را قبول کرد. رژیم خمینی بعد از هشت سال جنگ قبول کرد که با عراق بر سر میز مذاکره بنشیند.

رژیم خمینی که در جنگ شکست خورده است، تلاش می نماید با سرکوب داخلی از اثرات شکست بکاهد. به فاصله ۶ ماه گذشته یعنی بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ تا حالا رژیم ضد خلقی خمینی بیش از ۱۲ هزار نفر از زندانیان سیاسی راه جوخه اعدام سپرده است. در میان اعدام شدگان کسانی هستند که محکومینشان به پایان رسیده و یا قبلاً محاکمه و محکوم شده بودند. کشت و کشتار کنونی در ایران، در تاریخ کمتر مثل ومانندی دارد. خمینی مثل مار زخم خورده به هر طرف

توضیح: این سخنرانی به زبان کردی بیان شده که ترجمه فارسی آن از نظر خوانندگان می گذرد. رفقا و دوستان

در بهمن ماه چندین رویداد تاریخی آفریده شده است. از آنجمله ۲ بهمن ۱۳۲۲ تشکیل اولین جمهوری خودمختار کرد به رهبری پیشوای زنده یاد پیشوای قاضی محمد. ۱۹ بهمن ۱۳۲۹ رخداد حماسه سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران. ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه و پیروزی قیام قهرمانانه خلق. ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ شهادت دسته ای از رهبران سازمان مجاهدین خلق به دست دژخیمان رژیم خمینی. ۲۳ بهمن ۱۳۶۱ شهادت ۱۱ پیشمرگه فدایی در محور جاده سبز - بوکان به فرماندهی رفیق شهید مسعود رحمتی. در واقع همانطور که گفتیم رویدادهای بسیاری در بهمن ماه رخ داده است. اما امروز ما مخصوص در اینجا جهت گرامیداشت ۱۹ بهمن سالروز حماسه سیاهکل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ۲۲ بهمن سالروز پیروزی قیام و سرنگونی دیکتاتوری شاه گرد هم آمده ایم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در شرایطی متولد شد که دیکتاتوری سیاه شاهنشاهی بر ایران حاکم شده بود. همه اشکال مسالمت آمیز مبارزه با شکست مواجه شده بود. رهبران فرصت طلب حزب توده و جبهه ملی به کلی سنگر مبارزه را وداع گفته بودند یا فراری خارج از کشور شده بودند و یا در ایران به کنج خانه های آرام خزیده بودند. در آن شرایط دسته ای کوچک از فرزندان انقلابی ایران با فداکاری و شجاعت پرچم مبارزه مسلحانه را برافراشتند. با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و خلع سلاح کامل آن، سازمان تولد یافت. آغاز مبارزه مسلحانه و حمله به پاسگاه سیاهکل، تغییر و تحولی کیفی در جنبش کمونیستی ایران بوجود آورد. در واقع بعد از آن مشی سیاسی - استراتژیک جدیدی وارد صحنه مبارزه شد. این جریان کوچک به فاصله بسیار کمی به مهمترین سازمان چپ انقلابی ایران تبدیل شد. البته واقعیت اینست که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در شرایطی که تشکیل شد، دارای نواقص و کمبودهای بسیاری بود. از جمله نبود برنامه مدون استراتژی دقیق و مکتوب و مدون و... اما بدلیل اینکه اولاً مشی سیاسی صحیحی انتخاب نموده بود، یعنی مشی مبارزه مسلحانه بر علیه دیکتاتوری شاه ثانیاً وجود رهبران سیاسی هوشیار، مسئول و فداکار، هجو رفیق کبیر بیژن جزئی، مسعود احمدزاده، حمید اشرف و ثالثاً مناسبات سالم و صادقانه تشکیلاتی توانست به مدت زمان محدودی رشد کرده و تواقعی و کمبودهای ناشی از عدم وجود برنامه و... را جبران نماید. اما متأسفانه بمنیال شهادت رفیق جزئی بدست نوکران شاه در سال ۵۴ و نیز شهادت حمید اشرف و اکثریت رهبران سازمان در سال ۵۵ رژیمت های فرصت طلب از فرصت استفاده کرده و توانستند در موضع رهبری سازمان جاخوش نمایند. همین امر باعث شد که اکثریت بزرگترین سازمان کمونیستی و چسب

پرتوان با جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

سخنرانی رفیق سعید بزدانپناه در مراسم گرامیداشت حماسه سياهکل

از صفحه ۷

نتوانسته است به حق تعیین سرنوشت خویش دست  
یابد . مساله کسب حق تعیین سرنوشت ، مساله  
مشترک همه بخشهای تقسیم شده ملیت کرد است ،  
که برای تحقق آن درگیر هستند . اما مبارزه ملیت  
کرد در راه کسب حق تعیین سرنوشت به دو دلیل  
اساسی ( و چند دلیل فرعی که حالا جای بحث آن  
نیست ) نمیتواند از منی سیاسی و استراتژی واحدی  
برخوردار باشد . اولاً از نظر سیاسی کردها سابقین  
چهار کشور تقسیم شده که هر کدام از این کشورها  
دارای حکومتی با ماهیت و خصوصیت خاص خود  
بوده و نیز شرایط مبارزه در آنها مختلف است . بعضی  
از این کشورها در وابستگی ارگانیک به ناتو بسر  
میبرند بعضی همپیمان شوروی بوده اند . . .

دوماً به لحاظ اقتصادی ، اقتصاد بخشهای مختلف  
کردستان نه در پیوند تنگاتنگ و وابسته بهم بلکه  
وابسته به اقتصاد سراسری آن کشور هستند . مثلاً  
اقتصاد کردستان ایران وابسته به اقتصاد سراسری  
ایران است . از اینرو هر کدام از این بخشهای  
کردستان باید بطور استراتژیک مبارزه شان را با مبارزه  
سراسری در آن کشور پیوند دهند . بخصوص ما که در  
ایران زندگی میکنیم و امروز بعد از قبول آتش بس  
و شکست رژیم در جبهه های جنگ ، مبارزه مردم کردستان  
بیش از پیش در انقلاب سراسری ایران دارای نقش  
خواه بود . و اینکه نیروهای انقلابی ایران عزم جزم  
نموده اند که رژیم ولایت فقیه را به گورستان تاریخ  
بهارند . باید تلاش نمود پیوسته با کشتنی ما بهین  
مبارزه مردم کردستان برای خودمختاری و مبارزه  
سراسری برای آزادی ایجاد نمود . البته ما به هیچ  
وجه مخالف این نیستیم که مساله کرد همچون  
مساله های خاص نه تنها در ایران بلکه در خاور میانه  
نیز طرح گردد . اما مهم اینست که باید به یک سوال  
جواب داده شود . آنهم اینست که با لآخره سرنوشت  
مبارزه خلق کرد به چه شرایطی گره خورده است ؟  
ما فکر میکنیم که در شرایط کنونی سرنوشت این  
مبارزه به انقلاب سراسری در ایران گره خورده است .  
و همه انرژیها را باید در این راه بکار گرفت .

با آرزوی اینکه سال آینده مراسم ۱۹ بهمن  
و ۲۲ بهمن را در ایران آزاد و کردستان خودمختار  
جشن بگیریم .

سرنوشت خویش

اما راه کارگر گوشش به این حرفها بدهکار  
نیست . در " حوزه علمیه " راه کارگر ، مساله به  
گونه ای بررسی میشود که با " واقعیت " فاصله بسیار  
دارد . راه کارگر برای انفعال تئوری باقی میگذرد .  
راه کارگر چون با واقعیات " فاصله بسیار دارد " راه  
راه کارگر چون با واقعیات بطور عینی برخورد  
نمیکند ، در هر لحظه در لاک روشنگری متحط خود  
بیشتر فرو می رود . راه کارگر بر اساس این جمله  
لنین که میگوید " مادام که افراد فرا نگیرند در پس  
هزیک از جماعات ، اظهارات و وعده وعیدهای اخلاقی ،  
دینی ، سیاسی و اجتماعی منافع طبقات مختلف را  
جستجو کنند در سیاست همواره قربانی سلفیانسی

اصلی اختلال بشود ، جناحی است که ظاهراً منتظری  
خود را آماده میکند تا رهبری کامل آنرا بدست گیرد .  
در چند ماه گذشته چند مورد اعتراض آشکار و تند  
منتظری را شاهد برده ایم . جناح سومی به جناح  
بازار یا رسالت به اسم روزنامه شان موسوم است . شدت  
و حدت اختلاف و درگیریهای درونی رژیم چنان است که  
از بعد از قبول آتش بس تا کنون رژیم در هیچ یک از  
خرفههایی که برای خود تعیین کرده بود ، نتوانست  
یک قدم به جلو بردارد . مساله بازسازی در روابط بین  
المللی که در دستور کار رژیم قرار داشت همچنان  
روی دستش مانده و کار اقدام جدی صورت نگرفته  
است . مساله رسیدن به توافق صلح نه تنها در چشم  
انداز کوتاه مدت نیست بلکه هر روز پیچیده تر میشود .  
هر چند از نظر دیگر احتمال از سرگیری جنگ وجود  
ندارد ، روند صلح بسیار پیچیده است . خود این  
مساله مانع از آنست که جناح مسلط بتواند از آتش  
بس بعنوان بزرگ برنده ای علیه مخالفان استفاده  
نماید . در حقیقت اکنون برای همه روشن شده که  
ولایت فقیه مانع هرگونه تحولی است ، چه تحول  
انقلابی که به سرنوشتی تام و تمام رژیم و تمامی دسته  
بندبهاش می انجامد و چه تحول رفرمیستی که بکمال  
کشورهای امپریالیستی باید صورت پذیرد . من فکر  
میکم تا زمانیکه خمینی زنده است ، خود وی مانع  
اصلی بر سر راه تحول رفرمیستی هم می باشد و این  
مغض و مشکل جناحی است که خواهان چنین تحولی  
می باشد جناحی که تا کنون البته خمینی از آن حمایت  
کرده و می کند بدین معنا میتوان گفت که رژیم ولایت  
فقیه یک دوران انتقالی را از سر میگذراند که مساله  
اصلی در این دوران این است که چه کسی قدرت سیاسی  
و ادراکات به جنگ می آورد . درگیریها و اختلافات  
درونی رژیم خمینی به نیروهای انقلابی امکان میدهد  
که هر چه بیشتر خود را آماده کارزار نموده و از این  
اختلافات به نحو احسن استفاده نمایند .

اصلاً بعد از آتش بس در جنگ ایران و عراق مساله  
کرد بنحو بیسابقه ای در جهان طرح گشته و وارد  
بازی سیاسی شده است . در واقع مساله کرد اساساً  
مساله های واحد است . مساله حداقل ۲۰ میلیون کرد  
است که تا بهین چهار کشور تقسیم شده است . هیچ  
بخشی از ملیت کرد تا حال در هیچ کدام از این کشورها

« راه کارگر » راه

از صفحه ۹

برای یکطرفه مارکسیست این و ارس حتمی است . نباید  
واقعیت عینی را مآخذ قرارداد . باید متناسب با  
متقابل طبقات را در مورد این نکته در نظر گرفت .  
روزالوکر امپورک این کار را نکرده و بدین طریق درست  
در همان وروطی متافیزیکی ، تجرید ، نکات عمومی ،  
کلی باقی و غیره ای می افتد که بیهوده سعی دارد  
مخالفین خود را بدان متهم نماید . مطلب بر سر  
برنامه ای مارکسیستهای روسیه ، یعنی مارکسیستهای  
جمع ملت های روسیه است . آیا در این مورد ثابت شده  
نیست به روش طبقات حکمفرمای روسیه نظری  
انداخته شود ؟ ( لنین در باره حق ملل در تعیین

سلمان رشدی کیست

سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانسی  
( هندی الاصل ، مقیم کشور  
انگلستان ۲۱ سال دارد . وی در بیست و درخا سراده ای  
مذهبی متولد شد . وی در اوایل دهه هشتاد دو کتاب  
منتشر کرد که " فرزندان نیمه شب " و " شرم " نام  
داشتند . منتقدین ادبی اروپایی و آمریکایی وی را به  
خاطر رمانهایش با نویسندگان معروفی همچون  
" جولیان بارنز " و " مارتین امیس " یان ملک ایویسن ،  
" گونتر گراس " مقایسه میکنند و برای آثار وی ارزش  
و ارج ادبی فراوانی قائلند . " آیات شیطانسی " که  
آخرین رمان وی می باشد از دید منتقدین ادبی با رمان  
" آخرین وسوسه های مسیح " نوشته نیکوس کاوانتسز  
اکس شباهت بسیاری دارد . در این کتاب داستان دو  
بازیگر خیالی هندی بنامهای " جبرئیل فرشته " و  
صلاح الدین چمچا " به رشته تحریر در آمده که بعد از  
آتش گرفتن یک هواپیما در جریان هواپیما ربابی از  
ارتفاع خیلی بالا سقوط کرده و زنده میماند . این  
دو شخصیت در جریان روایات خود بمنظور آشنایی با  
شهر لندن از یکطرف و شناخت شخصیت غربت زده  
خود از طرف دیگر بارها با هواپیما به سرزمین های  
شرق بر میگردند . در این کتاب شخصیت دیگری بنام  
" محمد " وجود دارد که " پیامبر " یک شهر خیالی  
در حاشیه کویر است که نویسنده به آن " شهر جاهلیت "  
نام داده است و در این کتاب بر این " پیامبر " آیاتی  
نازل میشود . خصوصیتی که نویسنده به این شخصیت  
داده اینست که او برخلاف نقش مغربی که دارد بسوی  
زنان ولذات جسمانی کشیده میشود .

طرفداران اسلام خمینی شخصیت های کتاب را به  
" جبرئیل " و " شیطان " و " محمد " پیغمبر اسلام  
تلقین داده و از اینکه در این کتاب فواحش بعنوان  
زنان محمد نامیده شده اند آنرا توهین به مذاهب  
اسلام می دانند .

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۶

- ۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه صدها نفر از مردم  
فلسطین در روستای " دیر یاسین "
- ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - ترور امیلیانو زاپاتا از رهبران مردمی  
مکزیک
- ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ - برای نخستین بار پوری کارگرن در یک  
سفینه فضایی زمین را دور زد . ( روز کیهان نوردی )
- ۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - تجاوز آمریکا به کوبا در خلیج خوکها
- ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ - پیروزی جنبش مردم کامبوج علیه رژیم  
دست نشانده لول نول
- ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ - گشایش نخستین کنفرانس کشورهای  
غیر متعهد در باندول ( اندونزی ) . در این کنفرانس  
شخصیت های ملی و مردمی بسیار همچون دکتر سوکارنو  
و جمال عبدالناصر شرکت داشتند .
- ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ - استقلال زیمبابوه

فریب و خودفریبی بوده و خواهند بود " ( لنین - سه  
منبع سه جز مارکسیسم ) به خود فریبی سلفیانسی  
دچار شده است . راهی که راه کارگر میباید ، راه  
حقیقی کارگران ایران نیست ، راه فریب کارگران  
است و کارگران آگاه و مبارز ایران این راه را رد خواهند  
کرد .

منصور امان



## «راه کارگر» راه فریب کارگران

زنان (و غیره) همچون خود "شورا" ارزش آزادیخواهی و نمایشی داشت تا حمایت فراکمیون های لیبرال و سوسیال دمکرات بورژوازی امپریالیست را بران سازمان مجاهدین تامین کند. این برنامه همانقدر برای اجرا شدن بود که تضمین های خمینی در زیر درخت سیب به "آن بی سی" و "بی بی سی" در مورد رعایت دمکراسی در حکومت اسلامی" (مقاله فرجام تلخ و... راه کارگر شماره ۵۴)

گوشی راه کارگر تمامی تئوری باقی های گذشته خود را فراموش کرده و فعلا تصمیم گرفته تا در انفعال کامل، آن برنامه ای را تائید کند که در اندازه ثبت رسمی راه کارگر "به ثبت رسیده باشد" این "اداره ثبت" بخصوص بعد از فرار "بمبلمان توده های" فرنگ از جانب راه کارگر آنچنان با سیلی خود را سرخ نگه میدارد که گوش آبی در بساط دارد. نمونه دیگری از تحریف واقعیات و بی پرستی راه کارگر در جمله زیر خود را نشان می دهد.

راه کارگر می نویسد: «اسلام» دمکراتیک" مجاهدین خلق در هشت سال و نیم گذشته که بسیاری قوانین ارتجاعی نظیر قصاص و تبعیضات غیر انسانی بر زنان و غیره با توجه به نص صریح قرآن پیاده شده اند، حتی موضع خود را در مقابل این دسته از احکام قرآن روشن نساخته و "دمکراتسم" اجازه نداد که پیاده شدن این احکام ارتجاعی را صریحا محکوم ورد کند (مقاله فرجام... (تاکید از راه کارگر)

آنچه برای راه کارگر در بیان این جمله مهم است نه محکومیت لوایح ارتجاعی نظیر لایحه قصاص (که مجاهدین خلق آنرا محکوم نموده اند)، بلکه محکوم نمودن "نص صریح قرآن" از جانب مجاهدین است. این روشنگران کوتاه بین و غیر مسئول که هر فردی داشته باشند، درد مردم محروم و ستمدیده ایران را ندارند، گوش نمی دهند که سازمان های سیاسی را بر اساس مواضع سیاسی شان می سنجند و نه بر اساس مواضع فلسفی آنها. مثلا اگر کسی از راه کارگر بخواهد که بجای محکوم نمودن این با آن جنایت در یکی از کشورهای سوسیالیستی، مارکسیسم - لنینیسم و یکی از مهمترین اصول آن یعنی دیکتاتوری پرولتاریا را محکوم نماید، راه کارگر چه موضعی خواهد گرفت؟ راه کارگر بدون اینکه در بررسی نظرات یک جریان سیاسی به واقعیات مبنی

سازره طبقاتی و بخصوص به روش هیئت حاکمه در قبال جریانات مختلف توجه کند، همسوی کامل خود در دشمنی با شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق را اینگونه توجیه می کند: "ما از گفتن حقیقت درباره هرکس و از جمله درباره مجاهدین، حتی اگر شخص خمینی و شخص نیم پهلوی و شخص ریگان هم همین حقیقت را بگویند و ما همان کلمات و عبارات ما هم بگویند، منصرف نخواهیم شد" (راه کارگر شماره ۳۶. مقاله چه کسانی باکدهای ارتجاعی امپریالیستی سخن می گویند؟) حال ببینیم لنین در مورد اینگونه "حقیقت" گفتن ها چه میگوید "و اما بهترین شیوه ی واریسی صحت و سقم بر این فوق الذکر و نظائر آن بررسی روش طبقات گوناگون جامعه نسبت به این مسئله است در صفحه ۸

صداقت داشت می توانست با صراحت اعلام کند که نظرش تغییر کرده و دیگر مثل گذشته فکر نمی کند. اما از راه کارگر صداقت و درست کاری خواست، خیال خامی بیش نیست. راه کارگر که در مقاله "فرجام تلخ و... حقایق را تحریف کرده، چندی قبل در ارگان تئوریک خود، مجاهدین را "قطب دمکراسی در پائین" می دانست. مسلم است که راه کارگر معنی "قطب دمکراسی در پائین" را خوب می فهمیده و آنرا با از سر فرصت طلسمی ویا بر اثر فشاریکه از پائین و از جامعه بر راه کارگر وارد می شده، مجبور شده اعلام نماید. اما اکنون که راه کارگری ها در فرنگ جا خوش کرده و با داشتن عقوفت های بسیار از گذشته، تنش هم به تن زوربالیست های غرب مالیده شده، از سردرماندگی و واماندگی مجبور به روگردن عقوفت های درون خود می شوند و هرچه لجن در درون دارند به سراسر و روی مقاومت انقلابی مردم ایران می پاشند. راه کارگر این بی پرستی را اخیرا نیز بنحو بارزی نشان داد. راه کارگری ها که پس از اعلام تعداد شهدای عملیات فروغ جاویدان شادمانی کرده بودند، با افشای این مطلب چنان قافیه را بر خود تنگ دیدند که پس از چند ماه مجبور شدند به ابکی ترین شکل آنرا "تکذیب" کنند. این "تکذیب" ابکی همراه با طلب کار شدن عمق بی پرستی راه کارگر را بازم نشان داد.

شیوه ای که در اظهار تأسف شمعز کفنده راه کارگر برای شهیدان مجاهدین خود را به بارزترین شکل نشان می دهد، امری که هیچ آنکه نشانگر ریاکاری خرده بورژوا منشانه این جریان باشد، منطق عاقبت طلبی و انفعال آنرا بارز می کند، منطقی که در پستی آن، کلیه شهیدان سرفراز خلق معشابه "تلفات" و "خسارات" تلقی شده و خودداری از عمل انقلابی و انتظار تبلیغ می گردد. و این تکذیب حقیقت توسط راه کارگر، مثل آن دروغ های قبلی نمی تواند چهره این جریان را پنهان سازد و "نگه با رنگ پساک نمیشود". راه کارگر در همین نشریه تئوریک خود در رابطه با وجود کلمه "احلامی" در نام دولت موقت پس از سرنگونی رژیم خمینی ایرادهای حقوقی گرفته و ابهاماتی را مطرح می کنند. ضمن اینکه کاملا با بیان اینکه "ما فکر نمی کنیم که این کلمه به معنی قانون قصاص باشد، بمعنی حجاب اجباری و نماز اجباری باشد، ما فکر نمی کنیم این کلمه معادل "ولایت فقیه" باشد" (راه کارگر تئوریک - شماره ۱ - ص ۵۸) بین دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی و حاکمیت خمینی کاملا مرز می کشد، اما اکنون پس از گذشت زمان، راه کارگر بدون اینکه به روی مبارک بیاورد یکباره به این نتیجه می رسد که مجاهدین و شورا، مثل خمینی ویا حتی بدتر از خمینی هستند. ملاحظه کنید: "برنامه دولت موقت حتی اگر خود رجوی آنرا نوشته بود، اما برنامه اصلی سازمان مجاهدین خلق نبود، بلکه پلاتفرم ائتلافی سازمان مجاهدین با جناحش از بورژوازی لیبرال، ناسیونال رفرمیست ها و سوسیال دمکراتها بود که با تمامی ملحقات و تکمله های بعدی اش (در مورد عمرش ماهه دولت موقت، رابطه دین و دولت، حقوق

انشعاب در راه کارگر، بخش ناچیزی از خصوصیات این جریان را توسط افرادی از خود راه کارگر افشاء نمود. اساسی ترین خصوصیت این جریان انفعالی، بی پرستی و تحریف واقعیات است. این را می توان از خلال نوشته ها و مطالب نشریات وابسته به این جریان نیز استنتاج نمود. برای اینکه بی پرستی و تحریف واقعیات از جانب راه کارگر هرچه بیشتر روشن شود و این فرقه شبه سوسیالیستی که هرچه تمامی اپورتونیست ها دارند، او یکجا دارد بیشتر شناخته شود، به چند مطلب از نوشته های راه کارگر اشاره خواهیم کرد. راه کارگر در شماره ۵۴ خود می نویسد: "تلاش اخیر سازمان مجاهدین خلق ایران برای لشکرکشی به ایران، بار دیگر ادهمان را متوجه ارزیابی از میزان قدرت این سازمان و چشم انداز آن کرد. اینکه آیا مجاهدین خلق می تواند در ایران حکومت کند، اگر بتواند، حکومتش چگونه حکومتی خواهد بود، و بطور کلی جایگاه سازمان مجاهدین در محور مختصات انقلاب ایران چیست، سوالات تازه ای نیستند و مابا پاسخ خود را به این سوالات در نشریات خود داده ایم، با اینحال یک نگاه مجدد و یکجا به وضعیت سازمان مجاهدین خلق هم از لحاظ توان وهم از لحاظ موقعیت سیاسی آن، با توجه به آخرین تلاقی این سازمان برای تسخیر قدرت سیاسی، کاری زائد نخواهد بود." (نشریه راه کارگر - شماره ۵۴ مقاله فرجام تلخ و عبرت انگیز سازمان مجاهدین خلق) راه کارگر در داده مقاله خود نظرش را خلاصه کرده و بصورت زیر بیان می کند: "بطور خلاصه فاصله گیری هر چه بیشتر از دمکراتیسم و از آرمانهای برابری طلبانه، اتخاذ شباناک مواضع ضد انقلابی بورژوازی، و توسل به ارتجاع مذهبی، و انکس سازمان مجاهدین خلق در مقابل مبارزه طبقاتی سالهای اخیر در ایران بوده است. این جهت گیری از فردای انقلاب بهمن تا سال ۶۰، خود را بصورت های زیر بنمایش گذاشت: حسن همجواری مذهبی با رژیم خمینی و تلاقی برای مشروعیت گرفتن از خمینی، عدم شرکت در هیچیک از مبارزات مردم برای دفاع از دستاوردهای انقلابی خود و امتناع مطلق از افشاء و محکوم کردن تعرضات رژیم به حقوق مردم، جز در مواردی که مستقیما به خود مجاهدین و حقوق آنان تعرض میشد" (همانجا) مشاهده میشود که این "کارشناسان مسائل ایران" چگونه تاریخ را بررسی می کنند. دروغ گوش و تحریف واقعیات ها خود را در یک کلمات نوشته شده توسط راه کارگر نشان می دهد. انسان لازم نیست دقت چندانی بخرج دهد تا اوج عوامفریبی این متغلمین را کشف کند، فقط اگر بیکی دیگری از نوشته های راه کارگر مراجعه شود، این بی پرستی روشن خواهد شد. ملاحظه کنید: "در سال ۵۹ این سازمان وسیعترین افشاکاری را علیه "ارتجاع" که نام مستعار خمینی و دارو دستاش بود سازمان داد و دفاعش از دمکراسی، آنرا به قطب دمکراسی در پائین تبدیل کرد" (راه کارگر تئوریک - شماره یک صفحه ۱۸) (منظور راه کارگر سازمان مجاهدین خلق است) من بخصوص روی "آن را به قطب دمکراسی در پائین تبدیل کرد" تاکید می کنم برای اینکه روشن شود که راه کارگر چگونه مسائل را می دید و اکنون چگونه حقایق را تحریف می کند. اگر راه کارگر اندکی

## خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده ای شکست ناپذیر است

## انتخاب در کاست راه کارگر

افشا کرده اند.

در تاریخ ۱۵ بهمن ۶۷، دبیرخانه کمیته مرکزی راه کارگر، خبر "اخراج" یکی از اعضا کمیته مرکزی راه کارگر را از کمیته مرکزی وارخل راه کارگر اعلام نمود. این عضو کمیته مرکزی که با نام "ر. بابا علی" در مطبوعات راه کارگر معرفی می شد، از طرف کاست راه کارگر به جرم "ایجاد فراکسیون ضد تشکلاتی"، "ضبط اسناد سازمانی"، "انتضباط شکلی"، "عدم پیروی از نظم معمول"، "ایسراد اتهامات نامادقانه و ناپروا"، "اخراج شده است. متقابلاً ر. بابا علی" به همراه یکی دیگر از مسئولین راه کارگر بنام "غلام" اعلامیه ای تحت عنوان "اطلاعیه در محکومیت اقدامات انشعاب طلبانه فراکسیون حاکم بردفتر سیاسی" در تاریخ ۱۹ بهمن ۶۷ منتشر کردند و از "اخراج" غیرقانونی، "چند نفر و نیمه" "تعلیق و توسیع بخشی از مسئولین و اعضا" راه کارگر خبر دادند. نویسندگان اطلاعیه اخیر گفته اند که در راه کارگر "رژیم تازیانه و سرکوب و تصفیه" حاکم و "ابتدائی ترین حقوق اعضای تشکلات" راه کارگر بصورت "خشن" نقض میشود. اینان معتقدند که در راه کارگر "رژیم فوق سائترالیستی" حاکم است و اعضا، مرکزیت راه کارگر "غیر منتخب" بوده و دارای "اقتدارات ویژه بلك محفل" که دارای وحدت های فرهنگی - محفلی "با آشنائی های دیرینه" می باشد. اما کنندگان اطلاعیه در مخالفت با نظرات گردانندگان کاست راه کارگر در مورد انشعاب معتقدند که "مبارزه بر سر حق حاکمیت سازمان بر کلیه نهادها، منجمله نهاد مرکزی از یک سو و حقوق ویژه دفتر سیاسی بر کل تشکلات از سوی دیگر" دلیل اصلی و اساسی بحران در درون راه کارگر است که انشعاب اخیر را برگزوهی از افراد راه کارگر "تحلیل" کرده است. تصفیه شدگان معتقدند که "فراکسیون حاکم بردفتر سیاسی" راه کارگر "زشت ترین اتهامات فردی" را به مخالفین خود وارد می کند و "جو رعب و تصفیه" در راه کارگر ایجاد کرده که "بانبرور معنوی مخالفین" و "عوام فریبی" موقعیت خود را حفظ می کند. علاوه بر این دو سندی، آخرین شماره نشریه راه کارگر مطالب مختلفی پیرامون این انشعاب نوشته است. "مرجع تقلید" راه کارگر نیز در جواب نامه ای که "ر. بابا علی" نوشته، نواری برگزوده و گرچه گفته شده است که این نوار بلك سند داخلی است ولی گردانندگان کاست راه کارگر آنرا در هر جگه که "مصلحت" کاست ایجاد کرده بخش نموده اند.

"مرجع تقلید" راه کارگر در این نوار "ر. بابا علی" را با عنوان "اعلی حضرت روشنفکران" خطاب کرده و از سوابق گردانندگان کاست راه کارگر بشکلی صحبت کرده که این "سوابق" نقضی بلك چماق را علیه مخالفین بازی کند. تصفیه شدگان و بیوسنگان بدانها نیز اینجا و آنجا مطالب مختلفی منتشر کرده اند. منجمله چند اعلامیه که اکثریت تشکلات راه کارگر در "هانوفر آلمان غربی" انتشار داده و جریسان ملاقات و مذاکره گردانندگان راه کارگر با یکی از اعضا رهبری جریان خاشاکه موسوم به اکثریت را

راه کارگر

آنچنان نقشی در جنبش ترقیخواهانه و جنبش کارگری و کمونیستی ایران ندارد که بررسی دقیق، موثکافانه و همه جانبه این اسناد را ضروری سازد. اما با بلك بررسی اولیه در اسناد منتشر شده ذکر چند نکته کوتاه پیرامون فرقه راه کارگر و جریانی که برای آن پیش آمده برای روشن شدن هر چه بیشتر ذهن فعالین جنبش انقلابی ضروریست.

۱. گردانندگان راه کارگر دقیقاً دارای همان خصوصیاتی هستند که تصفیه شدگان خود را پندان متهم می سازند. راه کارگر بلك فرقه یا کاست روشنفکریت که همواره منافع حقیر گردانندگان کاست را بر منافع کل جنبش و حتی کل تشکلات خود ارجح دانسته و بدین لحاظ هیچگاه بر سر مواضعی که اعلام می ماند، ایستادگی نمی کند و گردانندگان کاست و بخصوص جناح وابسته به "مرجع تقلید" بر اساسی نرخ "بازار روز" موضع گیری می نمایند.

۲. کاست راه کارگر فاقد هرگونه پرنسپ سیاسی است. برای گردانندگان این کاست دروغ گفتن و ماست مالی کردن قضایا، ساده ترین کار ممکن است. در مقابل کار انقلابی برای اینان اساساً در دستور کار نبوده و نیست. گردانندگان کاست راه کارگر، مفتضحانه ترین فرارها را "عقب نشینی" خلاق و "تاکتیک" اصولی معرفی می کنند. رفرمیستی ترین تاکتیکها را، تاکتیک حزب انقلابی معرفی می کنند.

۳. کاست راه کارگر از ای تاکتیک سیاسی روشنی نیست. آنچه برای گردانندگان فرقه مهم است، ارائه ذهنی ترین و غیر عملی ترین تاکتیکها و روشهاست. بدین لحاظ راه کارگر همواره مجبور به ارائه تحلیل های بی سروته و فاقد مبنای عینی بوده است. این مساله که تحلیل هر چه طولانی تر و دارای جملات چند سطری و کلمات قلمبه سلمبه باشد و در آن بارها به کلاسک های مارکسیسم مراجعه شود، "دقیق ترین" تحلیل است، مساله ایست که راه کارگر در آن استاد است. اما وقتی پای "عمل" و کار "مشخص" پیش می آید، راه کارگر در "گل" می ماند.

۴. گردانندگان کاست راه کارگر که در مورد ضرورت "دموکراسی" قلمفرسائی بسیار می کنند، فرهای از "دموکراسی" واقعی بوشی نبرده اند. قلم و قدم هر کسی که بخواهد به دامن کبریای این "فرقه" گردن بنشاند، چنان خرد میشود که روی تپه کارانی همچون اکبر کامیابی (توکل) و حسین زهری را سفید می کند.

۵. و بالاخره گردانندگان فرقه راه کارگر فاقد اخلاقیات بلك فرد سیاسی معمولی هستند. و وقتی اینان برای شهادت عملیات فروغ جاویدان شادمانی می کردند، وار "تلف" شدن آنان به "وجد" می آمدند، نمی دانستند که اینگونه "اسرار" پنهان شدنی نیست. امروز این تصفیه شدگان هستند که باید سرز خود را با اینکار ننگه آلود راه کارگر روشن کنند. چرا که خود گردانندگان "فرقه" راه کارگر بارها خودشان را در تند ببح های جنبش انقلابی به اشکال مختلف و از جنبه های مختلف و منجمله از جنبه رفتار ضد انسانی افشا خواهند کرد.

## سفر وزیر امور خارجه

از صفحه ۱

نمی دهد، این نتیجه بدست می آید که اتحاد شوروی هنوز از گذشته و سیاستهای غلط خود در قبال مردم ایران درس نگرفته است، مردم ایران حق دارند به پرسند وقتی طی سه سال متوالی رژیم خمینی در جمع عمومی مثل متحد بخاطر نقض حقوق بشر شکوم میشود، و وقتی به حکومت رژیم خمینی دهها کشور و منجمله کشورهایی مثل آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، اسپانیا، ایتالیا و ۲۰۰ رای مثبت می دهند، چرا اتحاد شوروی به این قطعنامهها رای مثبت نمی دهد؟ آیا اتحاد شوروی نمی داند که رژیم خمینی بلك رژیم ترون وسطائی، ارتجاعی و ضد بشری است؟ آیا از سوچ اعدا سخا بر ندارد؟ مسلماً دولت اتحاد شوروی همه این مطالب را میداند اما بر اساس محاسباتی که فاقد هرگونه پرنسپ اصولی است اینگونه سیاستهای غلط اتخاذ می کند. باید گفت در شرایط کنونی اتخاذ اینگونه سیاستها، حتی منافع آنی کشور اتحاد شوروی را هم تأمین نمی کند. ما ضمن محکوم نمودن سفر وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به ایران و ملاقات وی با سران رژیم و منجمله خمینی، خواستار آنیم که اتحاد شوروی در سیاستهایش در قبال مردم ایران تجدید نظر نموده و رژیم خمینی را بخاطر نقض حقوق بشر قاطعانه محکوم نماید، در جامع بین المللی رای به محکومیت این رژیم دهد، از تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم حمایت نماید، برای اخراج این رژیم ضد بشری، ارتجاعی، تروریستی، از مجمع بیسن المللی تلاش نماید و پیش از این مواضعی که بود رژیم خمینی و علیه مردم ایرانست اتخاذ ننماید.

## اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۱

است، افتاده است. خمینی با عوام فریبی می خواهد یکبار دیگر از توده حزب الله برای نجات رژیمش کمک بگیرد. در حالیکه خمینی آبرو باخته و زهر خورده دیگر حتی با اینگونه داد و فریادهای میان تهی نیز قادر به نجات رژیم بحرانی و ارتجاعی اش نیست.

موسوی ارمییلی در نماز جمعه روز ۲۰ دسمه ۶۷

در جهت غارت هر چه بیشتر مردم، سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن را بیانه قرار داده و می گوید: "ما وظیفه داریم برای بزرگداشت این دهه هر کسی از ا و شکن است انجام بده. در تزهین شعایر، انسان نباید سبابه کند یا دیگران نه اینکه به حداقل قناعت و وزد". خانمهای جنایتکار نیز بشکل دیگر در نماز جمعه روز ۷ بهمن اسال این مساله را بیان می کنند و می گوید: "اصلاً هم موافق نیستیم که دستگاههای مشخصی از دولت متمدنی بشن که مثلاً کارهای جشن رو اداره بکنن، نمی شه حالا من منع کنم، اونهارو، نمی کنم، نه، اما معتقدم که کار اصلی مال خود مردمه".

### اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت درباره پیام احتضار رژیم خمینی

### اخبار و رویدادها....

از صفحه ۴

نیوجرسی و نیویورک:

در این بخش رفقای هوادار بانصب بیانید سازمان در چهار دانشگاه واقع در ایالت نیو جرسی و سه دانشگاه واقع در ایالت نیویورک و نصب تعداد زیادی تراکت بر روی دیوارها، ضمن گرامیداشت این روزها به افشاکاری بر علیه رژیم خمینی پرداختند.

#### حکومت رژیم خمینی در اجلاس کمیسیون حقوق بشر

چهل و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو با شرکت تعدادی از فرستادگان کشورهای جهان و سازمانهای بین المللی و حقوق بشری و همچنین هیئتی از طرف مقاومت ایران به سرپرستی دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در سوشی آغاز کار کرد. در اجلاس روز ۱۲ اسفند تعدادی از شرکت کنندگان از جمله آقای مجید طالقانی یکی از اعضای هیئت اعزامی از طرف مقاومت ایران در مورد نقض حقوق بشر در رژیم خمینی به سخنرانی پرداختند. در این اجلاس نمایندگان کشورهای آمریکا، نروژ، سوئد، بلژیک و سفرای کشورهای هلند، ایتالیا و ویرا مورخارجه اسپانیا در مورد نقض حقوق بشر و قتل عام زندانیان سیاسی در ایران توسط رژیم خمینی سخنرانی. های بسطی کردند. پرفسور گالیندویل گزاراگر ویژه سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران طی سخنانی با ذکر جزئیات، اعداسهای وحشیانه توسط رژیم را بر شمرد و خواستار تحقیق پیرامون اعدام و شکنجه توسط رژیم خمینی گردید.

نماینده کنفدراسیون جهانی کار، نیز در سخنرانی خود با اشاره به اعداسهای زندانیان سیاسی در ایران رقم اعداسهای زندانیان عقیده را ۱۰۰۰۰ و دستگیریهارا ۱۵۰۰۰ تن اعلام کرد. وی ضمن اشاره به انواع و اقسام شکنجههایی که در زندانهای خمینی جریان دارد خواستار حکومت رژیم خمینی گردید. در این اجلاس نماینده انجمن بین المللی علیه شکنجه و آقای آموس واکو گزاراگر سازمان ملل نیز پیرامون اعداسها و نقض حقوق بشر در ایران سخنرانی هائی ایراد کردند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد سر انجام در روز ۱۷ اسفند ۶۷ برابر با ۸ مارس برای هشتمین سال بیاسی با اکثریت ۲۰ رأی موافق در برابر ۶ رأی مخالف قطعنامه مربوط به حکومت رژیم خمینی بخاطر نقض حقوق بشر رایه تصویب رساند. رژیم خمینی بار دیگر در خانواده ملل متحد محکوم گردید.

خانم مریم رجوی، طی بیاسی که بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن ازدیاد مجاهد و میامی مقاومت بخش شد، به تشریح مواضع رژیم خمینی در قبال زنان کشور ما و نیز تشریح وی در پیام خود اعلام نمود که ۷ تن از ۱۵ عضو ستاد فرماندهی ارتش آزاد بمخشی ملی ایران رازنان تشکیل میدهند. اساسی این ۷ عضو عبارتست از: خانها، شهرزاد صدر - سبلا صادق - ثریا شیری - محبوبه جمشیدی - حمیده شاهرخی - فایزه حماری - آزاده رضاش.

#### پیام خمینی، پیام ارتجاع در حال مرگ

در تاریخ ۳ اسفند ۶۷، خمینی جنایتکار، بیاسی برای آخوندهای رژیمش صادر نمود. این پیام که همچون پیام خمینی برای مراسم حج در سال قبل، و پیام خمینی بمناسبت قبول قطعنامه ۵۹۸، روشن کننده مواضع خمینی و شرایطی که این رژیم بحرانی در آن قرار گرفته تمامی رخهایی که داروخته رفسنجانی خامنه‌ای، با همکاری میان بازان داخلی و خارجی رسیده بودند، بنینه نمود. خمینی بمشابه کسی که سناغ حکومتش را بر خرد میداند فهمیده است که در شرایط بحران کنونی هرگونه تغییر در رژیمش، بمشابه نواختن زنگ مرگ رژیم است. از این جهت خمینی بر تمامی مواضع ارتجاعی گذشته اش از قبیل اعتقاد برفقه سنتی و ۱۰۰۰ تاکید نمود. این پیام همچنین روشن نمود که رژیم ولایت فقیه فاقد ظرفیت برای رفوم و تدبیر در جهت تطبیق با زیر بنای جامعه است. این پیام همچنین روشن می‌کند که رژیم خمینی در لبه گور قرار گرفته و خمینی برای نجات رژیمش بازمه بفکر بسج توده حزب الله گسه با نوشیدن جام زهر توسط خمینی شدیداً ضربه خورده

در صفحه ۱۰

پیام امروز خمینی خطاب به «روحانیون سراسر کشور و مدرسن و طلاب حوزهها»، که خلاصی آن در اخبار رادیو رژیم (چهارشنبه سوم اسفند) قرائت شد در یک کلام پیام احتضار رژیم زهرخوردی خمینی در حقیقت بنیست و استحصال داخلی و بین المللی است. اعتراف آشکار خمینی به این حقیقت که «شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل» درستی نقطه نظر مقاومت ایران بنیست بر ورود این رژیم به مرحله سرنگونی را به وضوح تأیید می‌کند. در شرایطی که بحرانها و فشارهای گوناگون داخلی و بین المللی گوی رژیم را به شدت می‌فشارد، فروزون سالی رژیم خود را آشکارا بمشامی گذاشت و به نحوی اجتنابناپذیر بر همدی مانورها و فریبهای استعلاکرایانه ماههای پس از آتش بس آشکارا خط بطلان کشید. او از جمله تصریح کرد:

«تا هست نخواهد گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد»  
«آغوش رژیم برای مراجعت افراد از خارج کشور باز است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان» از رژیم.  
«نباید تحت تأثیر ترجمه‌های بیجا و بی مورد (نسیب به دشمنان... و مخالفین و متخلفین» رژیم قرار گرفت.  
خمینی همچنین، برغم اعداسهای توگرایانه قبلی اش تصریح کرد: «اینچنان معتقد به فقه سنتی هستم و تخلف از آنرا جایز نمی‌دانم.»

به این ترتیب روشن می‌شود که هیچیک از مانورهای میان نسی ارتجاع حاکم، از عفو زندانیان سیاسی (پس از قتلهاشان) گرفته تا آزادی فعالیت احزاب و «عفو ایرانیان تبعیدی» و ترغیب آنها به مراجعت به کشور، دردی از این رژیم دوا نمی‌کند و همچنانکه مقاومت ایران از فریاد عملیات بزرگ فروغ جاویدان اعلام نمود رژیم خمینی پس از خوردن زهر آتش بس سرنوشی جز سقوط محتمل نداشته و ندارد.  
اما خمینی که سرش از هر بابت به سنگ خورده و حتی در بیلان دسالمی حکومتش در ایران چیزی جز ملای «اسلام خواهی (در آفریقا» برای ارائه کردن نمی‌یابد. امروز از فرط اروپاخنگی و انزوا ی داخلی و بین المللی خود را مجبور می‌بیند به تاکیک همیشگی اش یعنی «فرار به جلو» متوسل شود. از اینرو از ترس باز شدن سر کلافه مسائل و سوالاتی که به

مستول شورای ملی مقاومت  
سعود رجوی  
۱۳۶۷/اسفند/۳

#### آخرین اجلاس شورای ملی مقاومت

شورا در بخش دیگری از مباحث اجلاس اخیر خود بر ضرورت احقاق حقوق بر باد رفته افشار و اصناف مختلف مردم در ایران آزاد شده فردا تاکیک و رزیبند. شورای ملی مقاومت بر آن بود که رژیم سرکوبگر خمینی حرمت و حقوق قضا و وکلای شریف دانشگاهی و انبوه اساتید، دبیران، معلمان و اطباء و پرستارانی را که حاضر به خدمتی با عمال رژیم نشده‌اند به منتها درجه لگدمال نموده و آنها را از نظر معیشتی نیز تحت فشارهای طاقت فرسا قرار داده و در بسیاری موارد هم خانه نشین کرده است. اما تنها راه احقاق حقوق و حرمت های کلیه طبقات و افشار مردم ایران از کارگران و دهقانان گرفته تا زنان و ملیت های تحت ستم، همانا سرنگونی این رژیم محتضر و آشوب زی و استقرار الیتراتیو دمکراتیک مردمی است.

در زمینه جنگ و صلح اجلاس شورای ملی مقاومت با مرور مجموعه موضعگیریها و اقدامات سیاسی و نظامی رژیم از هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد تا امروز بار دیگر بر این نتیجه گیری تاکید ورزید که رژیم نامشروع خمینی که از سر اضطراب به آتش بس کردن گذاشته بهیچوجه ظرفیت پذیرش صلح پایدار را ندارد و نصب نماینده جدید خمینی در سپاه جنگ طلب و سرکوبگر او آشکارا مبین این حقیقت است که جنگ و سرکوب ذاتی این رژیم می‌باشد.  
شورا در قسمت دیگری از مباحث خود به ارزیابی اقدامات گسترده نمایندگانهای شورا و پشتیبانان مقاومت در سراسر جهان طی ماههای اخیر پرداخت و با توجه به تأثیرات و بازتابهای وسیع مربوطه از زحمات آنان تقدیر نمود. شورا در پایان اجلاس خود اوشاع و تحولات اخیر خاورمیانه را در ارتباط با مسائل ایران مورد بحث و بررسی قرار داد.

اخبار و رویدادها....

برگزاری مراسم های گرامیداشت دهمین

سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن

بهمناسبت گرامیداشت دهمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، از طرف نمایندگیهای شورای ملی مقاومت و انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، امواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، مراسم در کشورهای مختلف جهان برگزار شد که مورد استقبال هسولطان مبارز قرار گرفت. در مراسمی که بدین مناسبت در استکهلم برگزار شد آقایان جلال گنجبه ای نماینده جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران (داد) و محسن رضایی عضو هیئت اجرائی سازمان مجاهدین خلق ایران به سخنرانی پرداختند و به سوا لات حاضرین پاسخ گفتند. در هلند آقایان دکتر منوچهر هزارخانی و دکتر کریم قاسم از شخصیت های عضو شورای ملی مقاومت و محسن رضایی به سخنرانی پرداخته و به سوا لات حاضرین پاسخ گفتند. در انگلستان در مراسمی که بدین مناسبت برگزار شد، آقایان دکتر هدایت الله شمس دفتری نماینده جبهه دموکراسی ملی ایران در شورای ملی مقاومت و دکتر کریم قاسم، دکتر ساروحانی از جبهه دموکراسی ملی ایران، حسین مهدوی عضو هیئت اجرائی سازمان مجاهدین خلق ایران سخنرانی نموده و به سوا لات حاضرین پاسخ گفتند. در گردهمایی فرانسه که در شهر پاریس برگزار شد، آقای دکتر منوچهر هزارخانی سخنرانی نمود و شاعر مجاهد اسماعیل وفا بهمنای گزیده ای از اشعارش را قرائت نمود. آقای حمیدرضا طاهرزاده دو قطعه شعر همراهِ اسبواختن نار اجرا کرد. در این مراسم آقایان دکتر منوچهر هزارخانی و محسن رضایی به سوا لات حاضرین پاسخ گفتند. در کانادا آقایان حجاج خلیل رضایی، پرفسور هادی مهابادی نماینده شورا در کانادا و دکتر علاءالدین توران از مسئولین بخش روابط بین المللی سازمان مجاهدین خلق ایران به سخنرانی پرداختند و سپس آقایان دکتر مهابادی و علاءالدین توران به سوا لات حاضرین پاسخ گفتند.

در مراسمی که بدین مناسبت در ایالت مایر برگزار شد، رفیق مهدی سامع سخنگو و نماینده سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) در شورای ملی مقاومت و آقایان جلال گنجبه ای و حسین نقدی نماینده شورای ملی مقاومت در ایالت مایر به سخنرانی پرداختند. سپس آقای فریدون گیلانی، گزیده ای از اشعار خود را قرائت نمود. در قسمت دوم این برنامه، آقایان جلال گنجبه ای و حسین نقدی و رفیق مهدی سامع به سوا لات حاضرین پاسخ گفتند.

محتشمی وزیر کشور رژیم در تاریخ ۱۰ بهمن ۶۷ به ترکیه سفر نمود. وی در آنکارا دو پروتکل جداگانه در زمینه مسائل مشترک امنیتی، امضاء کرد. اسن پروتکل ها بر این مبنا تنظیم شده که ۳۵۰ کیلومتر مرز مشترک ایران و ترکیه است، بوسیله طرفین بیشتر کنترل شود. خبرگزاریها گفته اند که مسافرت محتشمی اساساً برای آزادی دیپلمات - تروریست های رژیم خمینی که در زندان ترکیه هستند صورت گرفته در صفحه ۴

برخی از رویدادهای تاریخی

فروردین ماه

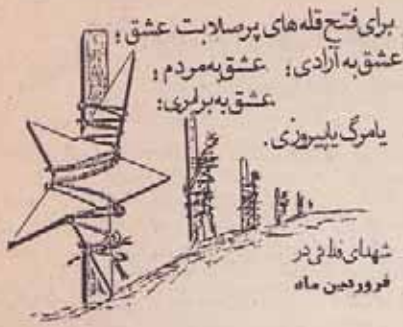
- ۱ فروردین ۱۳۲۲ - حمله مزدوران رژیم شاه به مدرسه فیشبه در قم
- ۲ فروردین ۱۳۶۱ - شهادت رفیق فدایی محمد حرمنی پور و چهار نفر از مبارزان در جنگلهای مازندران
- ۵ فروردین ۱۳۵۸ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مردم سنندج (نوروز خوشین سنندج)
- ۶ فروردین ۱۳۵۸ - آغاز جنگه تحمیلی به مردم ترکمن صحرا
- ۷ فروردین ۱۳۵۹ - قتل عام مردم دهکده قلعه تنان در کردستان توسط رژیم خمینی
- ۷ فروردین ۱۳۶۱ - عملیات قهرمانانه پرسنل نظامی مجاهد خلق علیه مزدوران رژیم خمینی در یادگان لویزان
- ۸ فروردین ۱۳۶۲ - قتل عام مردم روستای کانسوی رش و پیران جیم در کردستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
- ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ - شهادت پیشوا قاضی محمد و پسرانش صدق قاضی و سیف قاضی در شهر مهاباد
- ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ - انجام اولین فراندوم برای رژیم جمهوری اسلامی
- ۱۲ فروردین ۱۳۰۰ - قیام اسران در خراسان به رهبری کلعل محمد تقی خان پسیان
- ۱۵ فروردین ۱۳۵۰ - به هلاکت رساندن سپید فرسود، دانشتان ارتش رژیم شاه توسط رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۶ فروردین ۱۳۹۹ - قیام مردمی شیخ محمد خیابانی در تبریز
- ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ - درگذشت پروین اعتصامی
- ۱۷ فروردین ۱۳۵۰ - حمله قهرمانانه رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران به کلانتری قلعهک در تهران
- ۱۸ فروردین ۱۳۵۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصر توفیقمان در حمایت از راهپیمایی کارگران بیکار شهر امپهان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
- ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ - درگذشت صادق هدایت
- ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ - قطع رابطه سیاسی امریکا با رژیم خمینی
- ۲۱ فروردین ۱۳۵۹ - شهادت سرباز مبارز رضا شمس آبادی در جریان تیراندازی به محمد رضا شاه

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090 U.S.A

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE



فروردین ماه: رفقا!

جواد سلاخی - حبیب مومنی - خشایار سنجری منصور فریدی - محمد معصوم خانی - بیژن جزئی حسن شیخا ظریفی - عباس سورگی - مشعوف (اسید) کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمد رضا کامیابی غزال (پریخت) آیتی - سیمین بنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - بدالله سلسبیلی - جلیل اراضی - بهرام آقا تاپایی - عطا خانجانی - آراز محمد وردی پور - غفور حمادی - عبدالله مدنی زاده - سردی محمد کوسه غراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه فیروز شکری - آسه بردی سرافراز - قربان (آقا) شفیع - فیروز صیفی نور محمد شفعی - محمد رسول عزیزبان - رفیق پروین فروزه - محمد حرمنی پور - منوچهر کلانتری صدیق دیدهور (دکتر بهرام) و ...

این رفقا از سال ۲۹ تا کنون در بیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

مراسم گرامیداشت ۲ بهمن

روز دهم بهمن ۶۷ بهمناسبت گرامیداشت چهل و سومین سالروز اعلام جمهوری مهاباد توسط پیشوا قاضی محمد مراسمی در یکی از پایگاههای سازمان در نوار مرزی برگزار شد. این مراسم با اعلام يك دقيقه سکوت برای گرامیداشت خاطره پیشوا قاضی محمد و پسرانش و تمامی شهدای بخون خفته خلق آغاز گردید. پس از اجرای سرود "بهمن" یکی از رفقا طی سخنانی به بررسی جوانب مثبت و منفی جمهوری مهاباد و توصیف شخصیت قاضی محمد پرداخت. در این سخنرانی مواضع سازمان در قبال جنش ملی دموکراسی خلق کرد به اختصار بیان گردید. مراسم با اجرای سرود و ترانه و رقص محلی پایان یافت. در محل برگزاری مراسم شمارهایی مانند "درد پریشوا قاضی محمد فرزند دلیر خلق کرد" و "دوم بهمن را یاد آیدم و بساوزه برای سرنگونی رژیم خمینی و دست آوردن آزادی و خودمختاری گرامی بدریم" نصب شده بود.

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.

کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و با به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس مندرج پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

نام بانک SOCIÉTÉ GÉNÉRALE  
BOULOGNE - S. - SEINE آدرس بانک  
کد گیشه 03760  
شماره حساب 00050097851  
نام صاحب حساب MME: R.-T.-TALAT